

## تحلیل پراکنش نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز در استان کرمانشاه

دکتر علی امیری

## چکیده

یکی از وظایف اصلی جغرافی دانان سیاسی، شناسایی و تحلیل پدیده‌های جغرافیایی است که سازمان سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از مهم‌ترین این پدیده‌ها نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا در درون کشورها هستند. این نیروها که به اشکال مختلفی در درون کشورها وجود دارند؛ بارها باعث تجزیه و فروپاشی کشورها یا ادغام و وحدت سیاسی واحدهای سیاسی شده‌اند. در غرب ایران، استان کرمانشاه با توجه به نقش و موقعیت خود، می‌تواند نقش اساسی در این زمینه ایفا کند؛ زیرا تقویت فعالیت‌های مرکزگرا یا مرکزگریز در آن می‌تواند در غرب ایران و حتی استان‌های مجاور آن تأثیر فراوانی بر جای بگذارد؛ بنابراین تحلیل پراکنش این نوع نیروها در این استان، مسأله پژوهشی پیش‌روی این تحقیق است. برای انجام این تحقیق از روش کتابخانه‌ای در جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده‌است. در خصوص تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا براساس یک چارچوب مفهومی مرکب از دیدگاه‌های ریچارد هارتشورن و ژان گاتمن نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و در نهایت با روش کیفی (توصیفی-تحلیلی و هرمنوتیکی) پراکنش و شدت آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در کنار نیروهای مرکزگرای موجود در استان کرمانشاه، عوامل قومی-زبانی، مذهب و نمادهای قومی در سطح تئوریک، زمینه فعالیت نیروهای مرکزگریز در این استان را فراهم آورده‌اند و عواملی از قبیل اندیشه سیاسی و سازمان سیاسی- نظامی، باعث شکل‌گیری نیروهای مرکزگریز به شکل عملی در بخش‌هایی از این استان شده‌است. به‌طور کلی، پراکنش نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز در سطح استان به سه شکل: ناحیه غرب استان با مرکزگریزی نسبتاً بالا، ناحیه مرکزی و جنوبی با مرکزگریزی متوسط و ناحیه شرق با مرکزگریزی نسبتاً کم مشاهده می‌شود.

جغرافیا و توسعه، شماره ۶۴، پاییز ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

صفحات: ۲۱۸-۱۹۵



واژه‌های کلیدی:

نیروی مرکزگرا، نیروی مرکزگریز، کرمانشاه، ریچارد هارتشورن، ژان گاتمن.

## مقدمه

ملتها می‌شوند. دسته دیگر عواملی هستند که برعکس دسته اول عمل کرده و زمینه تجزیه و فروپاشی دولت-ملت‌ها را فراهم می‌آورند. در منابع جغرافیای سیاسی، از نیروهای دسته اول به‌عنوان نیروهای مرکزگرا و از نیروهای دسته دوم به‌عنوان نیروهای مرکزگریز نام می‌برند. دولت-ملت‌ها با شناسایی نیروهای مرکزگریز و مرکزگرای داخلی، سعی در کاهش نقش نیروهای مرکزگریز و تقویت نیروهای مرکزگرا دارند تا بدین‌وسیله بقای خود را تضمین کنند (امیری، ۱۳۸۵: ۱).

تفکیک دوگانه نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا<sup>۲</sup> در داخل کشورها در ابتدا توسط هارتشورن<sup>۳</sup> مطرح شد.

هدف اساسی و غیرقابل تغییر هر دولت-ملتی، بقای ملی است و این مهم خود در گرو مقوله تهدید است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵). تهدیدات، به دو صورت بقای دولت-ملت‌ها را به خطر می‌اندازند؛ نخست از جانب نیروهای خارجی، توسط همسایگان، قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، سازمان‌های فراملیتی و... دوم از جانب نیروهای داخلی یک کشور. نیروهای داخلی به دو صورت بقای دولت-ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یک دسته عواملی هستند که در بقای دولت-ملت‌ها نقش مثبتی داشته و وحدت و انسجام ملی را فراهم ساخته و در نتیجه باعث بقای دولت-

یکی از مناطق جهان که در این زمینه سرآمد است و از این جهت تهدیدات امنیتی فراوانی در داخل کشورهای آن وجود دارد، منطقه خاورمیانه است. یقیناً، امروزه مهم‌ترین مشکل کشور نسبتاً توسعه‌یافته ترکیه در این منطقه، مسئله کردها و تلاش آن‌ها برای جدایی از این کشور است یا اگر عراق امروزی کشوری یکدست و به دور از نیروهای مرکزگرای بود، قاعدتاً از این وضعیت امنیتی اسفبار در رنج نبود. جنگ‌های قومیتی و فرقه‌ای رخ داده در افغانستان، رنگ آرامش را از چهره سیاسی این کشور حذف کرده است و سلطه قوم پشتون و مقابله با این سلطه از جانب دیگر اقوام باعث برافروخته شدن اندیشه‌های سیاسی گوناگون و درنهایت جنگ داخلی خونین آن شده است. کشور ایران با اینکه از ابعادی دارای پیوندهای بسیار محکمی همچون تاریخ و پیشینه مشترک است و از این جهت تاکنون توانسته به عنوان یک کشور با اقتدار، ثبات سرزمینی خود را حفظ کند، اما در درون آن عوامل طبیعی و مؤلفه‌های فرهنگی نیز تنوع بسیار زیادی دارند. بسترهای طبیعی ناهمگن در کنار دیگر عوامل باعث شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های فراوانی در درون آن شده است. این خرده‌فرهنگ‌ها باعث شکل‌گیری جنبش و مسائل مرکزگرایی در بعضی نواحی آن شده است که می‌تواند تهدیدات جداسازی را برای آن به همراه آورد. تفاوت‌های مذهبی، حضور اقوام متعدد در درون آن و تفاوت در سطح شاخص‌های اقتصادی بین مرکز و حاشیه جغرافیایی کشور و... همه از عواملی هستند که می‌توانند دارای تأثیرات امنیتی باشند. توزیع میان‌مرزی اقوام ساکن در مرزهای کشور و بعضاً دارا بودن مذهب متفاوت موجب شده است که نیروهای مرکزگرایی در میان آن‌ها شکل بگیرد و به کانون‌هایی برای تهدید امنیت ملی کشور تبدیل شوند که در شرایط تاریخی-سیاسی

نظریه او که بعداً «نظریه یکپارچگی سرزمینی» نامیده شد، تنش بین نیروهای یکپارچه‌ساز مرکزگرا و نیروهای مخرب مرکزگرای را مورد بحث قرار می‌دهد (Meir, 1988: 252). در مجموع، نیروهای مرکزگرای و مرکزگرا نیروهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی هستند که باعث تضعیف (مرکزگرایی) یا تقویت (مرکزگرا) تمامیت جغرافیایی یک دولت-ملت می‌شوند. نیروهای مرکزگرای ممکن است منجر به تجزیه سیاسی یا بالکانیزه شدن یک کشور شوند. همه کشورهای حاوی عناصری هستند که به گرایش مرکزگرایی کمک می‌کنند، اگرچه این موارد ممکن است در بعضی موارد کاملاً ضعیف باشد؛ به خصوص در کشورهایی که از نظر فرهنگی یکدست یا تقریباً یکدست هستند؛ به عنوان مثال، ژاپن، کشوری که دارای اقلیت‌های مذهبی یا قومی اندک است، گرایش‌های مرکزگرایی اندکی را نشان می‌دهد. کشورهایی که دارای گروه‌های اقلیت بی‌شماری هستند (هند، نیجریه، مالزی) یا یک اقلیت بزرگ که در یک منطقه متمرکز است (کانادا، بلژیک، قزاقستان) اغلب نیروهای مرکزگرای قابل توجهی را تجربه می‌کنند. در کشورهای دیگر، کنترل منابع یا سطوح مختلف توسعه اقتصادی ممکن است باعث بروز چنین نیروهایی شود. این مورد در انگلیس در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، هنگامی که اسکاتلند به دلیل گرایش به مرکزگرایی ناشی از تمایل به دستیابی به سهم بیشتری از ذخایر نفت و گاز در دریای شمال، واقع در ساحل شرقی اسکاتلند، خودمختاری سیاسی قابل توجهی به دست آورد. حتی تنها یک مسئله سیاسی ممکن است به ایجاد اختلافات شدید در هویت و وفاداری ناحیه‌ای کمک کند و منجر به ابراز خشونت در گرایش به مرکزگرایی که می‌تواند بقای کشور را تهدید کند، شود. در مسئله برده‌داری در ایالات متحده در نیمه اول قرن نوزدهم چنین بود (Hanks, 2011: 55-56).

یکی از برجسته‌ترین جغرافی‌دانان آمریکایی و سیاسی نیمه اول قرن بیستم، مدل خود را پس از جنگ جهانی دوم، هنگامی که جغرافیای سیاسی به دلیل «نقشی که در این جنگ بازی کرد» شهرت نسبتاً بدی پیدا کرده بود، توسعه داد. مطابق با مدل وی، موضوع اصلی تجزیه و تحلیل در جغرافیای سیاسی کشور یا سایر مناطق شبیه کشور است. تجزیه و تحلیل باید بررسی کند که دولت چگونه می‌تواند مناطق مختلف تحت حاکمیت خود را سامان دهد تا یک واحد مؤثر و یکپارچه از آن‌ها تشکیل شود. در رویکرد وی، تأکید بر یکپارچگی و عملکرد مؤثر کشور است (Reményi, 2012: 130). وی عقیده داشت که حکومت در رویارویی با چالش‌ها، اعم از چالش‌های بالقوه خارجی و داخلی درگیر تلاشی مداوم برای تحمیل سیطره خود بر قلمرو است. سرانجام و مهم‌تر اینکه، چون ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن حیات دائمی هر واحد کشوری در معرض نابودی به دست کشورهای دیگر است، هر حکومتی باید در رقابت با علایق محلی و استانی و برای تضمین حد نهایی و وفاداری مردم در همه مناطق کشور، در مخالفت صریح با وفاداری مردم نسبت به هر واحد حکومتی بیگانه تلاش کند. وی استدلال کرد که در درون کشور و در هر لحظه‌ای، توازن خاصی میان دو نیروی مرکزگرا و مرکزگریز وجود دارد (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۹-۲۰۰). این توازن بین این نیروها است که بقای طولانی‌مدت یک کشور را تعیین می‌کند؛ به‌عنوان مثال، اختلافات قومی یا مذهبی شدید می‌تواند یک نیروی مرکزگریز اساسی باشد که یک کشور را ویران می‌کند؛ اما می‌تواند با یک اندیشه حکومت قدرتمند، مانند یک ملی‌گرایی متحدکننده که از ادغام سرزمین پشتیبانی می‌کند، مقابله کند. از این طریق، هارتشورن یک الگوی ساده برای تجزیه و تحلیل کشورها به صورت جداگانه براساس توازن نیروها ارائه داد. این رویکرد بعداً

خاص بعضی دوره‌ها فعال شده و چالش‌های اساسی را برای دولت مرکزی به وجود آوردند.

استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های اصلی موطن قوم کرد و دیگر اقوام، می‌تواند نقش خاصی را برای نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز بازی کند؛ زیرا این استان به دلیل داشتن تفاوت‌های فرهنگی و قومی و بروز اندیشه‌های سیاسی متفاوت در آن، می‌تواند وزنه قدرت را به نفع نیروهای مرکزگریز یا مرکزگرا تغییر دهد و به‌همین دلیل مسئله امنیت سرزمینی ایران در غرب کشور را کاملاً متأثر سازد. وجود اقوام کرد، لک و... در کنار مذاهب شیعه، اهل سنت و فرقه اهل حق، پتانسیل ویژه‌ای را برای دو نیروی مرکزگریز و مرکزگرا در این استان شکل داده است و به‌همین دلیل در عمل، این استان به‌صورت عرصه تقابل دو نیروی مرکزگریز و مرکزگرا درآمده است. عوامل زیادی از قبیل اشتراکات نژادی، هم‌ریشگی زبانی، تاریخ و سرزمین مشترک، مذهب تشیع و... باعث تقویت و تحکیم مرکزگرایی در این استان شده است؛ اما تفاوت‌های قومی و مذهبی نیز بستر را برای فعالیت نیروهای مرکزگریز فراهم ساخته است.

با توجه به این شرایط، محقق در پی آن است تا ضمن شناسایی انواع نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا در استان کرمانشاه، به تحلیل پراکنش آن‌ها بپردازد؛ علاوه بر این، توجه به جنبه نظری و عملی هر کدام از این نیروها در سطح استان نیز از مسائلی است که این تحقیق به آن خواهد پرداخت؛ بنابراین در این راستا سؤالات زیر، محور بحث این پژوهش هستند: نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا در استان کرمانشاه در سطح نظری و عملی کدامند؟ پراکنش جغرافیایی این نیروها در استان چگونه است؟

### مبانی نظری

عناصر اساسی یک نظریه جغرافیایی درباره ملت ابتدا در سال ۱۹۵۰ میلادی توسط ریچارد هارتشورن پایه‌گذاری شد (کفاش، ۱۳۷۵: ۱۶). ریچارد هارتشورن،

این زبان از اسکریپت سیرلیک اصلاح شده استفاده می‌کنند. اختلافات فرهنگی بین کروات‌ها و صرب‌ها برای بسیاری از افراد خارجی جزئی به نظر می‌رسد؛ اما هرگروه تمایزها را قابل توجه می‌داند. درگیری‌های تاریخی بین دو قوم نیز در بسیاری از موارد به خصومت مشترک منجر می‌شود و کروات‌ها و صرب‌ها در مقایسه با گروه‌های قومی باقی‌مانده یوگسلاوی سابق، دو گروه با اشتراکات زیاد نشان می‌دهند. با این حال، باید خاطرنشان کرد که به مدت نیم قرن، نیروهای مرکزگرای در یوگسلاوی تحت کنترل بودند و حداقل برای بعضی‌ها، حس محکم هویت یوگسلاوی حاصل شده بود (Hanks, 2011: 56).

هارتشرن کشور را محصول دو نیروی متضاد می‌بیند: نیروهای مرکزگرای و نیروهای مرکزگرا (Yongnian, 2010: 301). هارتشرن خود معتقد است: اینکه چه ویژگی‌های اجتماعی خاصی ممکن است مهم باشند، بستگی به کشور خاص دارد. همه به زبان و مذهب فکر می‌کنند. من همچنین، آموزش و استانداردهای زندگی، انواع نگرش‌ها و نهادهای اقتصادی، نگرش به طبقه و تمایزات نژادی و به‌ویژه فلسفه سیاسی را پیشنهاد می‌کنم (Hartshorne, 1950: 108). نیروی اصلی مرکزگرا باید مفهوم یا ایده‌ای باشد که وجود یک کشور خاص که این مناطق خاص را با هم پیوند می‌دهد، توجیه کند؛ کشور باید علت وجودی برای این موجودیت داشته باشد (Hartshorne, 1950: 110). از آنجا که سازماندهی دولت نه تنها از یک منطقه به منطقه دیگر، بلکه از یک نقطه مرکزی تا هر منطقه پیرامونی نیز نیاز به برقراری ارتباط دارد، فاصله، خود یک عامل مرکزگرای است. بدیهی است که فاصله، در یک حالت به اندازه و شکل آن بستگی دارد. از موانع انسانی، شایع‌ترین آن نبود انسان است. تا همین اواخر مناطق غیرمسکونی یا کم‌جمعیت ساکن برای عبور دشوار و خطرناک بودند. در درجه اول به این دلیل بود که کوه‌های

به‌عنوان «تئوری میدان متحد»<sup>۱</sup> توسط استفان جونز<sup>۲</sup> ارائه شد که استقرار کشور موفق را به‌عنوان زنجیره‌ای از پنج مرحله توصیف کرد که در آن نیروهای مرکزگرا پیروز می‌شوند (اگر نیروهای مرکزگرای پیروز شوند، زنجیره شکسته می‌شود و کشورسازی فرو می‌پاشد) (Flint and Taylor, 2018: 6-7).

اگر هویت فرهنگی در یک کشور با یک هویت ملی برابر نباشد، نیروهای مرکزگرای می‌توانند چنان قدرتمند شوند که منجر به تجزیه کامل این کشور شوند. نیروهای مرکزگرای توانایی تغییر چشمگیر جغرافیای مناطق در یک بازه زمانی کوتاه را دارند. در اوایل دهه ۱۹۹۰، دو کشور بزرگ، از جمله بزرگ‌ترین کشورهای جهان، به دلیل افزایش موج نیروهای مرکزگرای در داخل مرزهای خود دچار فروپاشی شدند و این نشان‌دهنده یک گرایش روبه‌زوال تدریجی در منطقه اروپای شرقی-مرکزی و اتحاد جماهیر شوروی بود. یوگسلاوی، بزرگ‌ترین کشور در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی، بزرگ‌ترین کشور جهان، در امتداد مرزهای تمایز قومی و مذهبی تجزیه شدند و در نتیجه ۲۰ کشور جدید در اوراسیا ایجاد شدند که تقریباً همه این کشورها در طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ ظاهر شدند. نیروهای مرکزگرای قوی می‌توانند بین گروه‌هایی وجود داشته باشند که از منظر بیرونی، باید پیوند فرهنگی و سیاسی محکمی داشته باشند. مورد قابل توجه، دشمنی بین کروات‌ها و صرب‌ها در یوگسلاوی سابق است. هر دو گروه مسیحی هستند، اگرچه آن‌ها از شاخه‌های مختلف مسیحیت پیروی می‌کنند و به طرز طنزگونه‌ای، هر دو یک زبان گفتاری مشترک دارند. زبانی که در گذشته در سطح جهان به نام صربی-کرواتی خوانده می‌شد، با استفاده از دو الفبا نوشته می‌شود؛ کرواتی‌ها این زبان را با استفاده از الفبای لاتین می‌نویسند، در حالی که صرب‌ها برای نوشتن

عادت‌های اجتماعی در ساخت و تخریب دولت‌ها پی برد. این باورها، دیدگاه‌ها و شیوه‌های انجام امور مختلف که در «روح» یک ملت گنجانده شده‌اند، با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا نمادنگاری سنتی را شکل بخشیده و نظامی با دیدگاه محافظه‌کارانه را که نسبت به تغییر مقاوم است، بنیاد نهد. نیروهای مخالفی که گاتمن آن را «حرکت» می‌نامد؛ شامل حرکت‌ها و تماس‌های میان گروه‌ها در فضا است که به تبادل و انتشار عقاید منجر می‌شود. به جای احترام به گذشته، حرکت، موجب تحول شده و دائماً خطر ناپایداری روابط دیرینه و مرسوم را دربردارد. (Moisio et al, 2020: 99-101؛ مویر، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹).

قدرت انتزاعی یک نظم موجود، ریشه در روح ملت یا گروه ملل درگیر دارد. «روح» مفهوم دشوار دیگری است که استفاده از آن ممکن است غیرعلمی باشد. آنچه در اینجا دلالت دارد، نگرش روان‌شناختی ناشی از ترکیبی از وقایع واقعی همراه با اعتقاداتی است که عمیقاً در ذهن مردم ریشه دارد. در اینجا از واژه نمادنگاری برای توصیف کل سیستم نمادهایی که یک مردم به آن‌ها باور دارند استفاده می‌شود. این نمادها بسیار و متنوع هستند. یک نمادنگاری ملی به معنای گاتمن، شامل پرچم ملی، خاطرات افتخارآمیز تاریخی و همچنین اصول دین رایج، قوانین مرسوم اقتصادی، سلسله‌مراتب اجتماعی ایجاد شده، قهرمانان نقل شده در مدارس، نویسندگان کلاسیک و... است. یک نمادنگاری ملی معمولاً در یک مرز متوقف می‌شود؛ وقتی یک خط مرزی این چنین نباشد، خط مرزی بسیار خطرناکی است. برای هر گروهی از مردم، نمادنگاری میراث مشترک محبوبی است. این یک عامل قدرتمند است و برای ثبات می‌جنگد و در برابر تغییر مقاومت می‌کند، به جز دوره‌های کوتاه در زندگی هر ملتی، وقتی ادعای تغییر - یعنی گسترش - مطرح می‌شود، با

نسبتاً کم‌ارتفاع، در اروپای مرکزی یا آپالاش، مدت طولانی به عنوان مناطق تقسیم‌کننده عمل می‌کردند. شاید دشوارترین مانع برای غلبه، جدایی از طریق منطقه‌ای باشد که توسط افراد مختلف به‌ویژه یک ملت غیردوستانه مسکون شده است. مشکلات جدی برای یک کشور ممکن است زمانی ایجاد شود که هریک از مناطق آن کشور روابط نزدیک‌تری با مناطق کشورهای خارجی داشته باشند تا با مناطق داخلی این کشور. این وضعیت معمولاً در خصوص جاهایی که مرز تغییر کرده است، صدق می‌کند؛ زیرا مرز اکنون از درون منطقه‌ای عبور می‌کند که قبلاً در داخل یک کشور بوده است. بخش سیلزی علیا، در سال ۱۹۲۲، یک مورد خاص را نشان داد؛ اما موارد بسیاری وجود دارد که به تغییرات مرزی وابسته نیستند. در این موارد، یک منطقه ارتباطات نزدیک‌تری به‌ویژه ارتباطات اقتصادی با مناطق سایر کشورها نسبت به سایر مناطق کشور خود دارد. ما با اهمیت سیاسی این عامل در هریک از مناطق مهم کانادا آشنا هستیم که هرکدام از این مناطق از جنبه خاصی با مناطق مجاور ایالات متحده روابط نزدیک‌تری دارند تا با سایر مناطق داخل کشور (Hartshorne, 1950: 106).

با اینکه نیروهای مرکزگرای و مرکزگرا مورد توجه ژان گاتمن قرار گرفته‌اند، اما تعبیر وی با تعبیر هارتشورن تفاوت دارد. «گاتمن در مطالعات خود درباره پدیده قلمروخواهی شرح داد که چگونه جوامع بشری به‌طور همزمان در سهم‌شدن و جداسازی یک قلمرو نقش دارند» (مویر، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹). وی دو عامل یا گروه اصلی؛ حرکت و نمادنگاری<sup>۲</sup> را مطرح می‌کند که در بازی نیروهایی که دائماً در حال شکل‌گیری و تغییر شکل نقشه سیاسی هستند، با یکدیگر مخالفند (Gottmann, 1952: 517). گاتمن به اهمیت نمادهایی همچون: تاریخ، افسانه، ادبیات و

1-Upper Silesia

2-Circulation and iconography

عمدتاً به تشریح چگونگی شکل‌گیری و پیدایش کشورها و علل رشد فزاینده آن‌ها در طول قرن بیستم می‌پردازند. عواملی که در تولد کشورهای جدید از دل کشورهای چندملیتی و امپراتوری‌ها دخیلند، همان نیروهای مرکزگرای هستند؛ بنابراین حکومت‌ها برای حفظ یکپارچگی سرزمینی خود باید به تضعیف نیروهای مرکزگرای و تقویت نیروهای مرکزگرا اقدام کنند. از نظر هارتشورن تفاوت‌های انسانی در ازم‌پاشیدگی یک کشور مؤثرتر از تفاوت در ساختار فیزیکی عمل می‌کنند. هرچند موانع و دشواری‌های طبیعی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. درحالی‌که ژان گوتمن ویژگی‌های معنوی و اعتقادی را هم‌زمان عامل مهم همبستگی و جدایی یک گروه از انسان‌ها از گروه دیگر قلمداد می‌کند. به نظر ایشان دو نظریه پس از گذشت بیش از پنجاه سال و در عصر جهانی‌شدن‌ها، هنوز معتبر هستند و تا هر زمان که حکومت‌ها بازیگران مهم صحنه بین‌الملل باقی بمانند، معتبر خواهند بود (میری، ۱۳۸۵: ۱۰).

#### محدوده مورد مطالعه

براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، استان کرمانشاه دارای ۱۹۵۲۴۳۴ نفر جمعیت است و با وسعت ۲۵۰۴۵ کیلومترمربع به مرکز شهر کرمانشاه در میانه ضلع غربی کشور بین مدار جغرافیایی ۳۳ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینوچ قرار گرفته است و از شمال با استان کردستان، از جنوب با استان‌های لرستان و ایلام، از شرق با استان همدان و از غرب با داشتن ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک، با کشور عراق همسایه است. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا حدود ۱۲۰۰ متر است. کرمانشاه از لحاظ تقسیمات کشوری دارای ۱۴ شهرستان، ۳۱ بخش، ۳۲ شهر و ۸۶ دهستان است (خاکپور و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۸).

تعبیر ویژه‌ای از نمادنگاری پشتیبانی می‌شود (Gottmann, 1952: 516). یک ناحیه، برای اینکه از محیط اطراف خود متمایز باشد، بیش از یک کوه یا دره، یک زبان مشخص یا مهارت‌های خاصی نیاز دارد؛ اساساً نیاز به یک اعتقاد قوی دارد که مبتنی بر برخی از عقاید مذهبی، دیدگاه‌های اجتماعی یا الگویی از خاطرات سیاسی و اغلب ترکیبی از هر سه باشد؛ بنابراین ناحیه‌گرایی آن چیزی را دارد که می‌توان در پایه و اساس خود نمادنگاری نامیده شود (Mascara, 2006: 33) و این نوع نمادنگاری اساس ناحیه‌گرایی را تشکیل می‌دهد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹).

در مقابل، سیرکولاسیون یا حرکت شامل اشکال حرکت مردم، کالاها و ایده‌ها است و با تأکید بر انتشار و تماس‌های جدید، سیرکولاسیون نیرویی برای نوآوری و توسعه روابط جدید است: این امر نظم حاکم را تهدید می‌کند و سیالیت و بی‌ثباتی در امور بین‌الملل را به همراه می‌آورد (Muir, 1989: 83). در نظم سیاسی، سیرکولاسیون مردم، ارتش‌ها و ایده‌ها را جابه‌جا می‌کند؛ در نظم اقتصادی تکنولوژی‌ها، سرمایه‌ها و بازارها را به حرکت درمی‌آورد و در نظم فرهنگی، ایده‌ها را جابه‌جا می‌کند و مردم را به حرکت درمی‌آورد (Mascara, 2006: 36).

با این وجود، سیرکولاسیون و نمادنگاری همیشه مخالف نیستند: آن‌ها در طول تاریخ آشکالی از هماهنگی را از طریق عمل گره‌گاه‌ها پیدا کرده‌اند؛ جایی که «سیرکولاسیون، نمادنگاری و اعمال حاکمیت به هم پیوسته‌اند» (یعنی عوامل اقتصادی، مذهبی و سیاسی)؛ به همین دلیل، تقسیم جهان بیشتر به مرزهای روح و مدارهای شعاع گره‌گاه‌ها بستگی دارد تا به همه خصوصیات فیزیکی نقش بسته در فضا (Mascara, 2006: 37).

به‌طور کلی، همان‌گونه که میرحیدر اذعان می‌دارد: نظریه‌های ارائه‌شده توسط هارتشورن و ژان گوتمن

## روش تحقیق

برای انجام این تحقیق از روش کتابخانه‌ای در جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده‌است. درخصوص تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا براساس یک چارچوب مفهومی مرکب از دیدگاه‌های ریچارد هارتشورن و ژان گاتمن نیروهای مرکزگرا و مرگزگیز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و درنهایت با روش کیفی (توصیفی-تحلیلی و هرمنوتیکی) پراکنش و شدت آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این تحقیق، متغیرهای زبان و قومیت، مذهب، سازمان سیاسی-نظامی، نمادهای قومی و آرمان (اندیشه) سیاسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

## یافته‌های تحقیق

### زبان و قومیت در استان کرمانشاه

با اینکه ساکنان استان کرمانشاه از قوم ماد از اقوام آریایی محسوب می‌شوند و از این جهت با هسته اصلی کشور ایران همخوانی دارد و از طرفی به‌عنوان یک استان کردنشین تعریف می‌شود، اما متشکل از اقوام گوناگونی است که هرکدام در بخشی از آن سکونت دارند. گروه‌های عمده قومی در استان کرمانشاه نخست کردها و بعد لک‌ها و بعد به تعداد بسیار کم لر، ترک و دیگر اقوام ایرانی هستند. در زمینه منشأ نژادی کردها، حرف‌ها و اقوال بسیاری می‌رود و برای این قوم ایرانی خاستگاه‌های نژادی متعددی متصور شده‌اند. رشید یاسمی که خود از کردهای ایرانی است و به‌دنبال اثبات ریشه نژادی کردها بوده، درباره این پراکنده‌گویی نژادی کردها می‌گوید: «در کتب متعدد دیده‌ام که نویسندگان کوشیده‌اند با دلائل بی‌اساس و ناستوار طایفه کردها را یکی از شعبه‌های نژاد ایرانی، بلکه خود از ارکان ایرانیست، از طوایف تورانی یا سامی و امثال آن معرفی کنند. بعضی سعی کرده‌اند که کردها را منسوب به کلدانیان قدیم کنند و بعضی خواسته‌اند آن را از

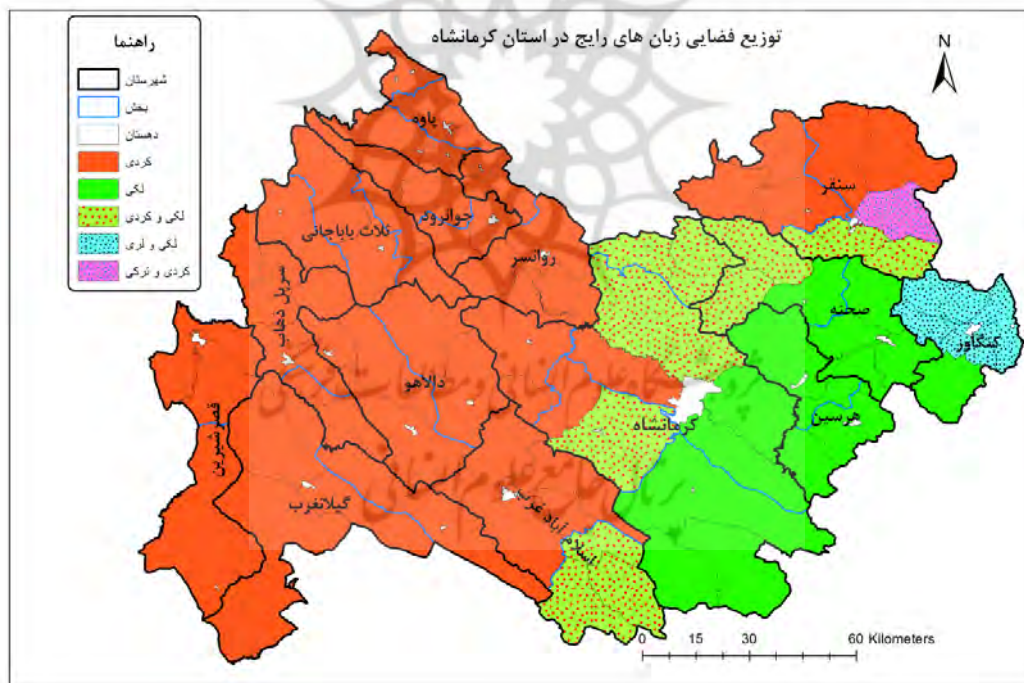
نسل عرب بشمارند و جمعی درصد برآمده‌اند که کردها را از اخلاف گوتی‌ها و لولوبی‌ها و کاسی‌ها که ساکنان کوهستان غربی ایران بوده‌اند معرفی کنند. با این اتمام که در ایرانیت این چند طایفه شک کرده و آنان را مجهول‌النسب بشمارند و تا بالتبع کردها نیز مجهول شود» (یاسمی، ۱۳۶۳: ۶).

لک‌ها که یک گروه قومی عمده در غرب ایران بین استان‌های لرستان، کرمانشاهان، ایلام و همدان و به‌صورت پراکنده در برخی نقاط کشور و در داخل خاک عراق در همسایگی استان کرمانشاه را تشکیل می‌دهند، دومین قوم ساکن استان هستند. بررسی‌های قوم‌شناسانه مربوط به این قوم کمتر انجام شده و بیشتر بررسی‌هایی که به معرفی قوم کردها یا لر می‌پردازند، لک‌ها را شاخه‌ای از یکی از این دو گروه قومی معرفی کرده‌اند؛ اما واقعیت این است که این قوم از وجوه فرهنگی خاصی برخوردار است که آن را از این دو گروه متمایز می‌کند. لک‌ها در بعضی وجوه فرهنگی به یکی از این دو قوم و در بعضی وجوه دیگر به قوم دیگر شباهت دارند؛ اما از هویت فرهنگی مختص به خود برخوردارند.

از آنجاکه مبنای تعریف هویت قومی در ایران زبان است، مسئله هویت قومی استان کرمانشاه نیز براساس توجه به توزیع فضایی زبان بهتر قابل تفهیم خواهد بود. ساکنان استان کرمانشاه علاوه بر تکلم به زبان رسمی کشور، در مراکز اداری و فهم آن و همچنین تکلم فارسی به گویش کرمانشاهی در سطح شهر کرمانشاه، به زبان‌های قومی رایج در استان تکلم می‌کنند. همان‌طور که در شکل ۱ دیده می‌شود، زبان‌های عمده در سطح استان کرمانشاه، نخست زبان کردها و بعد لکی است. در قسمت‌هایی از شهرستان کنگاور و سنقر گویش‌های لری و ترکی نیز رایج است. زبان‌های عمده رایج در استان کرمانشاه از شاخه زبان‌های ایرانی به حساب می‌آیند؛ بنابراین با بقیه زبان‌های ایرانی از یک شاخه، یعنی شاخه

رایج هستند و برخی منابع (رودیگر، ۱۳۸۲: ۵۴۲)، لکی و لری پشتکوه را جزو آن محسوب می‌کنند؛ اما به‌طور کلی، متکلمان گویش‌های کلهری، هورامی، جافی و... در استان کرمانشاه در شهرستان‌های پاوه، جوانرود، روانسر، ثلاث باباجانی، سرپل‌ذهاب، گیلان‌غرب، اسلام‌آباد غرب، دالاهو، قصرشیرین، سنقر و کرمانشاه و به تعداد کمتر در شهرستان‌های کنگاور و صحنه ساکن هستند. تکلم به زبان هورامی (اورامی) در شهرستان پاوه و مرکزیت تاریخی این شهر در شهرستان‌های غرب استان کرمانشاه، باعث شکل‌گیری مفهوم غیررسمی اورامانات برای اطلاق به این شهرستان‌ها شده‌است.

هندواروپایی هستند؛ اما چون در ایران امروزه اقوام براساس زبان تعریف می‌شوند، زبان عامل اصلی هویت قومی به حساب می‌آید. کردها امروزه برای زبان کردی رسم‌الخط تعریف کرده و آثار ادبی و علمی فراوانی به این زبان نگاشته‌اند و «زبان کردی با همه گویش‌های خود، از جمله کرمانجی<sup>۱</sup>، سورانی<sup>۲</sup> و زازا<sup>۳</sup>، ویژگی بسیار قدرتمند هویت کردی است» (Bengio, 2017: 11). از سه گروه رایج زبانی کرد در استان کرمانشاه، ابتدا کردی جنوبی (به‌خصوص کلهری) و بعد کردی مرکزی (سورانی) رایج است. گروه جنوبی از تعداد زیادی گویش تشکیل شده که در سطح استان کرمانشاه و ایلام و بخش‌هایی از عراق



شکل ۱: توزیع فضایی گویش‌های رایج در استان کرمانشاه

تهیه و ترسیم: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹



شهرستان‌های پاوه، جوانرود و... کمتر است؛ زیرا کمترین تفاوت با زبان فارسی را ابتدا لری و بعد لکی دارد. ترکی سنقری و گویش‌های کردی؛ البته با شدت متفاوت، بیشترین تفاوت زبانی را با زبان رسمی دارند.

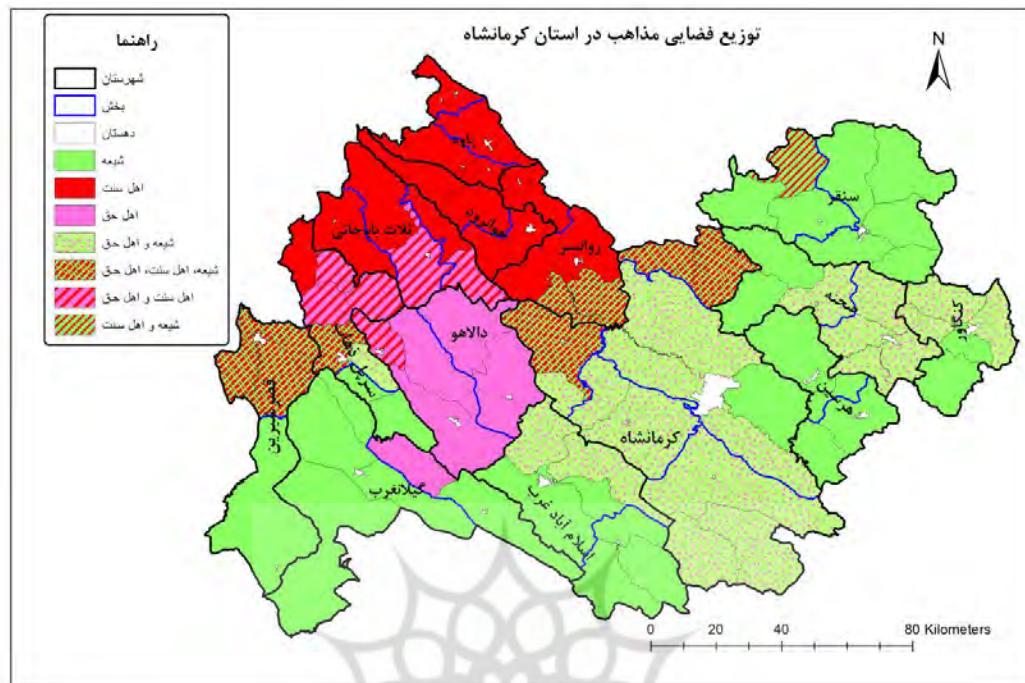
براین اساس اگر تفاوت‌های زبانی را برای تعیین میزان مرکزگریزی در سه دسته کیفی: ۱- بدون تفاوت تا کم، ۲- متوسط و ۳- زیاد، دسته‌بندی کنیم، لری (کنگاور) در دسته نخست و لکی (هرسین، صحنه، کنگاور، کرمانشاه و سنقر) در دسته دوم و گویش‌های کردی با درجات متفاوت در دسته سوم قرار می‌گیرند. توزیع فضایی مرکزگریزی قومی-زبانی در استان کرمانشاه بدین شکل است که شهرستان‌های غربی استان بیشترین مرکزگریزی را داشته و شهرستان‌های شرق استان نیز کمترین میزان مرکزگریزی را دارند.

#### مذهب در استان کرمانشاه

اکثریت قریب به اتفاق جمعیت استان کرمانشاه (۹۹/۷) را مسلمانان تشکیل می‌دهند. اقلیت‌های مذهبی استان مجموعاً ۰/۱۷ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند و مهم‌ترین آن‌ها زردتشتیان با ۰/۱۲ درصد، مسیحیان با ۰/۲ درصد و کلیمیان ۰/۳ درصد از کل جمعیت را دارند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰: ۱۳۵). مسلمانان این استان از دو مذهب اصلی اسلام؛ یعنی تسنن و تشیع و از فرقه اهل حق (شکل ۲) هستند. به‌علت نبود آمار مذهبی، تعیین دقیق پیروان هر کدام از این مذاهب مشکل است، اما اکثریت بالای جمعیت استان شیعه هستند.

حوضه اصلی سکونت لک‌ها که گروه دوم در استان هستند، به شکل زیر است. ۱- در شهرستان کنگاور در دهستان‌های خزل غربی، کرمانجان و مناطقی از شهر کنگاور؛ ۲- در شهرستان صحنه؛ بخش دینور همراه با دهستان هجر، گاوگل علیا و شهر صحنه؛ ۳- شهرستان هرسین با همه روستاها؛ ۴- مناطقی از شهرستان کرمانشاه همراه با دهستان‌های عثمانوند، جلالوند، دورود فرامان و بخش‌هایی از ماهیدشت (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۲۳). حضور لک‌ها در قسمت شرقی استان باعث شکل‌گیری، مفهوم غیررسمی لکستان برای این منطقه شده است؛ بنابراین به‌طور غیررسمی سه ناحیه زبانی در این استان قابل تعریف است: اورامانات در غرب، کلهرنشین در جنوب و مرکز و لکستان در شرق.

براساس دیدگاه هارتشورن، چون اقوام ساکن در استان کرمانشاه با هسته اصلی قومی کشور تفاوت دارند، باید گفت که این استان از پتانسیل مرکزگریزی زبانی و قومی برخوردار است؛ اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، وجود یا نبود حس مرکزگریزی در میان این اقوام است. قوم کرد تنها گروه قومی ساکن در این استان است که در بعضی مواقع تحركات مرکزگریزی از خود نشان داده است؛ بنابراین از نظر تئوریک، با اینکه همه زبان‌ها و گویش‌های رایج در سطح استان کرمانشاه به دلیل داشتن تفاوت با زبان رسمی کشور، زبان فارسی، دارای سطحی از مرکزگریزی هستند؛ اما هرچه از شهرستان‌های شرقی استان به سمت شهرستان‌های غربی حرکت می‌کنیم، به دلیل پررنگ‌تر شدن این تفاوت، مرکزگریزی زبانی افزایش می‌یابد؛ از این رو به راحتی می‌توان مشاهده کرد که در شهرستان‌های هرسین و کنگاور مرکزگریزی زبانی نسبت به



شکل ۲. توزیع فضایی مذهب رایج در استان کرمانشاه

تهیه و ترسیم: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

صحنه، دالاهو پراکنده‌اند. اهل سنت استان در قسمت‌های شمال غربی و غربی استان و قسمتهایی از خود شهر کرمانشاه ساکن هستند. اکثریت قریب به اتفاق شهرستان‌های پاوه، جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی (اورامانات) را اهل سنت تشکیل می‌دهند. همچنین تعداد کمتری از پیروان این مذهب در شهرستان‌های سرپل ذهاب و دالاهو ساکن هستند.

شکل‌گیری گرایش به سمت و سوی گرایش‌های بنیادگرایانه همچون سلفی‌گری و داعش در این نواحی از ابعاد تقویت مرکز‌گریزی مذهبی است که در صورت گسترش، می‌تواند پیامدهای خطرناکی به دنبال داشته باشد. «مطمئناً بیگانگی کردهای اهل سنت از دولت مرکزی بیشتر است. این امر به‌ویژه در دوره جمهوری اسلامی که اسلام شیعه را دین رسمی معرفی کرد، صادق است» (Bengio, 2017: 33).

مهم‌ترین مرکز محل زندگی فرقه اهل حق در ایران، استان کرمانشاه است؛ اگرچه در سطح استان و

براساس بعضی منابع از کل جمعیت استان کرمانشاه، ۵۶/۶۹ درصد جمعیت شیعه، ۲۸/۳۵ درصد جمعیت اهل تسنن و ۱۵ درصد آن را فرقه اهل حق تشکیل می‌دهد که بیشترین تراکم جمعیت شیعه، اهل تسنن و فرقه اهل حق به ترتیب در شهرستان‌های هرسین، پاوه و دالاهو را به خود اختصاص داده‌اند (غلامحسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۰). همچنین منابع دیگر، جمعیت اهل سنت را حدود ۱۹ درصد (مهدیخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۳) و اهل حق را از حدود ۱۳ درصد (مهدیخانی، ۱۳۹۲: ۹۱) تا ۲۲/۱۵ درصد (غلامحسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹) ذکر می‌کنند.

توزیع فضایی شیعیان در قسمت‌های شمال شرقی، شرقی، جنوبی و جنوب غربی و مرکزی استان است. شیعیان در شهرستان‌های سنقر، کنگاور، هرسین، اسلام‌آباد غرب، گیلان غرب، قصرشیرین و کرمانشاه اکثریت قریب به اتفاق جمعیت را دارند. همچنین با نسبت‌های کمتر در شهرستان‌های سرپل ذهاب،

شیعه‌نشین و سنی‌نشین واقع شده‌اند و شرق تا مرکز و غرب استان به صورت نواری پراکنده شده‌اند، در وضعیت بینابینی قرار گرفته‌اند؛ براین اساس اگر تفاوت‌های مذهبی را برای تعیین میزان مرکزگرایی در سه دسته کیفی ۱- بدون تفاوت تا کم، ۲- متوسط و ۳- زیاد، دسته‌بندی کنیم، شیعه در دسته نخست و اهل حق در دسته دوم و اهل سنت در دسته سوم قرار می‌گیرند.

### سازمان سیاسی-نظامی نیروهای مرکزگرای استان کرمانشاه

یکی از موارد مهمی که می‌تواند سطح مرکزگرایی را نشان دهد، شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی یا نظامی است که برای رسیدن به اهداف مرکزگرایی فعالیت می‌کنند. اگر تفاوت‌های مذهبی و زبانی بعد تثوریک مرکزگرایی را نشان می‌دهند، در سطح عملی، در کنار فعالیت‌های سیاسی که در قالب سازمان‌های ملی و قانونی یا احزاب تبلور می‌یابند، فعالیت سیاسی در قالب تشکلات قانونی یا غیرقانونی و محلی در بعضی نواحی جغرافیایی می‌تواند انجام پذیرد. نواحی گردنشین ایران از زمره این نواحی است که همواره در طی سده گذشته شاهد این‌گونه فعالیت‌های سیاسی با گرایش‌های محلی گرایانه بوده‌است که در قالب احزاب تعریف شده و فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی از مهم‌ترین اقدامات آن‌ها بوده‌است.

در سال‌های اخیر، می‌توانیم دو شکل جداگانه از کنش‌گرایی روبه‌رشد را در میان کردهای ایران شناسایی کنیم: نخست، اشکال خودجوش بسیج عمومی در سطح مردمی، از جمله اعتراضات گاه‌به‌گاه و شورش‌هایی که در دهه‌های گذشته در چندین مورد اتفاق افتاده است؛ دو، بازگشت جنبش‌های سازمان‌یافته و مسلح مخالف (Gunes, 2019: 86). این کنش‌گرایی و به‌خصوص مورد آخر، عمدتاً توسط احزاب کردی شکل می‌گیرد.

حتی مرکز استان نیز به طور پراکنده تجمع دارند، اما به‌طور کلی، جامعه اهل حق در شهرستان‌های دالاهو (کردن غرب)، صحنه، کرمانشاه و ۸ شهرستان دیگر پراکنده‌اند (مهدبخانی، ۱۳۹۲: ۹۱؛ خداوند، ۱۳۸۲: ۵۵-۵۸). تأثیر این پراکندگی از زوایای متفاوت می‌تواند قابل توجه باشد. از طرف دیگر سکونت بخشی از جمعیت اهل حق در مرزهای استان کرمانشاه، بسیار حساس و دارای اهمیت فوق‌العاده است. یکی از دلایل این حساسیت به‌واسطه وجود جمعیت ساکن در مرز است، هرچند بخش عمده‌ای از جمعیت مرزی را اهل سنت تشکیل می‌دهند؛ اما در بخش‌هایی از مرز نیز جمعیت اهل حق اغلب به صورت عشایر حضور دارند و بخش عمده‌ای از جمعیت مرزنشین را تشکیل می‌دهند (غلامحسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۶). همچنین، آنان طیف فرقه‌ای را در کنار دو جمعیت مذهبی از جمله، شیعیان و اهل سنت را تشکیل داده‌اند و به تبع این عامل فرقه‌ای میزان قابل توجهی می‌تواند اتحاد مذهبی مردم را تحت تأثیر خود قرار دهد. باتوجه به اینکه در گذشته، کم‌وبیش شاهد وقایع و رخدادهایی بوده‌ایم که موجب اختلاف و افتراق بین مردم سنی و شیعه با اهل حق در برخی مناطق استان شده‌است؛ در همین راستا می‌توان گفت این فرقه مذهبی با دارا بودن بزرگان و سادات، مراسم عبادی و آداب و رسوم متفاوتی با مسلمانان، اماکن مذهبی داشته و شرایط ویژه و انحصاری را به خود اختصاص داده است. هرچند علایق و مشترکات و تعامل‌های کم‌وبیش آنان با تشیع را نیز نباید از نظر دور داشت (غلامحسینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۵).

توزیع فضایی مرکزگرایی مذهبی در استان کرمانشاه بدین شکل است که شهرستان‌های سنی‌نشین در غرب و شمال غرب استان بیشترین مرکزگرایی را داشته و شهرستان‌های شیعه‌نشین در شرق و جنوب نیز کمترین میزان مرکزگرایی را دارند. نواحی اهل حق‌نشین که عمدتاً در حد فاصل نواحی

تحمیلی به منطقه اهل حق نشین دالاهو و همکاری مهاجمان اهل حق با آنها درخور توجه است (مهدیخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

از دیگر احزاب سنتی که در شمال غرب استان کرمانشاه فعالیت داشته اند، کومله است. «حزب کومله در سال ۱۹۶۹ تأسیس شد. اعضای آن در آن زمان متشکل از دانشجویان و روشنفکران چپ‌گرای کرد عمدتاً از تهران و سایر شهرهای کردنشین بودند. کومله براساس ارزش‌های سوسیالیستی، برای حقوق کردها و یک ایران فدرال دموکراتیک، سکولار و کثرت‌گرا می‌جنگد. کومله متشکل از سه یا چند حزب جداگانه است. سه مورد از آنها به نام‌های حزب کومله کردستان ایران، حزب کمونیست کومله کردستان و حزب کمونیست کومله در ایران نام‌گذاری شده‌اند (Danish immigration service, 2020: 12). همان‌طور که اشاره شد، تلاش برای تصرف شهر پاوه و شکل‌گیری غائله پاوه در آن زمان از مهم‌ترین اقدامات آن است (نادری، ۱۳۹۴: ۲۷۶). این حزب هم‌اکنون هر از چند گاهی دست به اقدامات و تحرکات نظامی، همانند حمله به پاسگاه انتظامی روانسر در سال ۱۳۸۸ و... در منطقه اورامانات استان کرمانشاه می‌زند.

از جمله احزاب جدیدی که در کرمانشاه فعالیت‌های یارگیری و مسلحانه خود را علاوه بر منطقه اورامانات به شهرستان‌های شیعه‌نشین و استان‌های مجاور کرمانشاه گسترش داده، پژاک است. در اوایل دهه ۲۰۰۰، پ.ک.ک، به دنبال تحولات ساختاری و ایدئولوژیک در سازمان خود، تصمیم گرفت اعضای خود را براساس خاستگاه آن‌ها در نقاط مختلف کردستان به احزاب سیاسی مستقل سامان دهد. پارتی ژبانی آزاد کردستان<sup>۱</sup> (حزب زندگی آزاد کردستان، پژاک) که در سال ۲۰۰۴ رسماً اعلام شد، محصول این سیاست بود (Ahmadzadeh & Stansfield, 2010: 25). پژاک فعالیت خود را در منطقه به‌رغم خودشان، شرق کردستان و در ارتفاعات

احزاب و گروه‌های معاند سنتی و مدرن کرد عبارت‌اند از: الف) حزب دموکرات کردستان ایران (شامل دو جناح؛ ب) حزب کمونیست کارگری (کومله) شامل پنج شاخه؛ ج) گروهک خبات؛ د) گروهک رزگاری (رستگاری)؛ ه) سلفیت (سلفی‌گری)؛ و) حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) (رجبی و جعفری‌نور، ۱۳۹۵: ۱۲۱). از جمله مهم‌ترین احزاب و گروهک‌های کردی که در استان کرمانشاه فعالیت‌های نظامی، تبلیغاتی و یارگیری داشته‌اند، حزب دموکرات کردستان، کومله، پژاک، احزاب نوظهور و سلفی‌گری هستند.

حزب دموکرات کردهای ایران در شانزدهم آگوست سال ۱۹۴۵ در شهر مهاباد تأسیس شد. در وب‌سایت رسمی این حزب آمده است که هدف این حزب دستیابی به حقوق ملی کردها در ایران فدرال و دموکراتیک است. این حزب به‌طور سنتی به‌عنوان بزرگ‌ترین حزب کرد ایرانی در نظر گرفته می‌شود (Danish immigration service, 2020: 12). شعار این حزب که در ابتدا «خودمختاری برای کردستان» بود، به «فدرالیسم برای ایران» تغییر یافت. این حزب با اینکه در ابتدا در شمال نواحی کردنشین ایران فعالیت داشت و موفق به تشکیل جمهوری مهاباد در همان زمان تأسیس شد، فعالیت خود را به سمت جنوب نیز گسترش داد و در سال ۱۳۵۸ در کنار حزب کومله، غائله پاوه در استان کرمانشاه را رقم زد. فعالیت این حزب هم‌اکنون خیلی کم شده و در مقر خود در کوی سنجد در کردستان عراق دچار چنددستگی شده است (نادری، ۱۳۹۴: ۲۷۰ و ۶۱۱). این حزب در طول حیات سیاسی خود توانسته است با طرح شعارهای فریبنده، رشته‌هایی از گرایش‌های قومی را به خود پیوند بزند و پایگاه‌هایی را در داخل کشور در میان اقوام کرد به دست آورد. فعالیت‌های مسلحانه حزب در کردستان و اورامانات کرمانشاه به‌عنوان یکی از احزاب کرد معارض و معاند جمهوری اسلامی ایران و گسترش این فعالیت در دوران جنگ

در سال ۲۰۱۶ حملات زیادی را علیه نیروهای ایرانی انجام داده‌است. در چندین مورد، عملیات‌های این گروه در وبسایت‌های حزب دموکرات کردستان ایران اعلام شده‌است و نسبت به اقدامات انجام شده به وسیله حزب دموکرات کردستان ایران ماهیت تهاجم‌آمیزتری دارند. این گروه مسئولیت حملاتی علیه نیروهای ایرانی را بر عهده گرفته است که در برخی موارد به‌عنوان «انتقام» از حملات پیشین ایران علیه پیشمرگه حزب دموکرات کردستان ایران معرفی شده‌است. عقاب‌های زاگرس همچنین برای گردهایی که با نیروهای امنیتی ایران همکاری می‌کنند نیز تهدیداتی را ایجاد کرده‌اند (Landinfo, 2017: 6).

حزب دیگری که در تشدید تنش نظامی در کردستان ایران نیز نقش داشته است، حزب آزادی کردستان (پارتی آزادی کردستان - PAK) یا پاک است (Landinfo, 2017: 8). در ماه مه ۱۹۹۱، اتحادیه انقلابیون کردستان در کردستان عراق تأسیس شد. این سازمان اهداف خود را خودمختاری کردستان، دموکراسی و سوسیالیسم اعلام کرد. در ۱۰-۱۲ اکتبر ۲۰۰۶، در کنگره‌ای در اربیل در کردستان عراق، این سازمان نام خود را به پارتی آزادی کردستان تغییر داد. حزب جدید، تأسیس جمهوری کردستان را هدف اصلی خود اعلام کرد (Ahmadzadeh & Stansfield, 2010: 24-25). گفته می‌شود که پاک بسیار به حزب دموکرات نزدیک است. اعضای پاک در صف مبارزه با داعش فعال بوده‌اند، در کرکوک نیز حضور داشته و برخلاف سایر گروه‌های کرد، لباس کردی بر تن نداشته و لباس نظامیان آمریکایی را بر تن می‌کنند (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۶: ۱۰).

همچنین سلفیت (یا سلفی‌گری)، که متأثر از بنیادگرایی مذهبی است، توانسته است در نواحی سنی‌نشین اورامانات جذب نیرو کرده و طرفدارانی برای خود به دست آورد. نمونه فعالیت آن‌ها، حمله به مجلس شورای اسلامی ایران و حرم مطهر امام

قندیل آغاز کرده و شروع به جمع‌آوری نیرو و تجهیزات در جهت ایجاد آمادگی برای رسیدن به اهداف خود در این منطقه کرد (کریمیان، ۱۳۹۲: ۱۵۶). فعالیت این گروهک تروریستی بیشتر در مرز بین ایران، عراق و ترکیه و منطقه قلعه‌رش در استان آذربایجان غربی، منطقه اورامانات از توابع استان کرمانشاه، ایوان از توابع ایلام، مریوان و منطقه چهل‌چشمه از توابع استان کردستان و بخش شرقی کوهستان قندیل در کردستان عراق است (صحراگرد، ۱۳۹۱: ۹۶).

پژاک با اقدامات چریکی خود علیه ایران، توانست توجه جهانیان را به خود جلب کند. برخی منابع ادعا می‌کنند که پژاک به لطف فعالیت‌های خود علیه جمهوری اسلامی از کمک آمریکایی‌ها سود برده‌است (Bengio, 2017: 36). درگیری با نیروهای انتظامی، حمله به تأسیسات و اماکن عمومی از جمله خطوط انتقال گاز همراه با تبلیغات شدید روانی در مناطق شمال غرب کشور از اقدامات این گروه بوده‌است (قنبری و بیات، ۱۳۹۸: ۱۷۰). همچنین تلاش زیادی برای نفوذ در مجامع علمی، فرهنگی، دانشگاهی و محلی منطقه انجام داده‌است (مهدیخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۴). پژاک در کنگره دوم خود در آبان ۱۳۸۴ در مقر اصلی پ.ک.ک، مصوبات زیر را داشت: ۱- تصویب اساسنامه حزب ۲- راه‌اندازی قرارگاه نظامی در ارتفاعات منطقه کامیاران ۳- تقسیم‌بندی مناطق داخل کشور به چهار ایالت: الف) کرمانشاهان (شامل استان‌های کرمانشاه، ایلام و لرستان) ب) اردلان (کردستان) ج) مکریان (آذربایجان غربی) د) خراسان شمالی (شامل مناطق کردنشین خراسان و چالوس) ۴) جذب سه هزار پیشمرگ تا کنگره بعدی (مطلبی جونتانی، ۱۳۸۹: ۱۹).

**همچنین**، از اکتبر ۲۰۱۵، یک گروه جدید و نسبتاً کمتر شناخته‌شده‌ای وجود دارد که با عنوان «عقاب‌های زاگرس»<sup>۱</sup> (یا به قول حزبی‌ها «هه‌لۆکانی زاگرووس») فعالیت می‌کند. گفته می‌شود که این گروه

خیمینی<sup>(۵)</sup> است که بعضی از اعضای آن اهل اورامانات کرمانشاه بودند. آنچه به طور کلی در خصوص این سازمان‌های سیاسی - شبه نظامی قابل ذکر است، این است که فعالیت آن‌ها روز به روز در حال گسترش به سمت استان‌های کرمانشاه و ایلام است و بدین طریق جذب نیرو کرده و از این طریق زمینه مرکزگریزی این استان به ویژه در نزد نسل جوان تر را افزایش می‌دهند.

با اینکه دایره فعالیت این گروه‌ها قبلاً در استان کرمانشاه محدود به ناحیه اورامانات بود و نواحی شیعه نشین کمتر متأثر می‌شدند، اما گروه‌های جدیدتر مثل پژاک تا حدودی موفق شده‌اند که مرزهای مذهبی را شکسته و با تکیه بر عنصر قومیت، دایره فعالیت خود را در نواحی شیعه نشین نیز گسترش دهند.

جدول ۱: مهم‌ترین گروه‌ها و احزاب قوم‌گرایی کردی با فعالیت شبه‌نظامی در ایران

ردیف	حزب	فضای جغرافیایی فعالیت	عمده فعالیت
۱	حزب دموکرات	آذربایجان غربی تا اورامانات کرمانشاه	تشکیل جمهوری مهاباد و غائله پاره
۲	حزب کومله	کردستان و اورامانات کرمانشاه	غائله پاره
۳	پژاک	آذربایجان غربی تا استان ایلام	فعالیت‌های تروریستی و جذب نیرو و کادرسازی
۴	گروه‌های نوظهور مثل عقاب‌های زاگرس و پاک	کردستان به سمت نواحی مجاور	ترور نظامیان و بومیان وابسته به نظام
۵	بنیادگرایی مذهبی (سلفیسم)	نواحی سنی نشین	تبلیغ و عملیات تروریستی

مأخذ: یافته‌های، ۱۳۹۹

### نمادهای قومی در استان کرمانشاه

مسئله مهمی که باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرد، مسئله نمادگرایی قومی است که زمینه تمایز آشکار را با سایر اقوام نشان می‌دهد. آداب و رسوم هر قومی بیشتر در مراسم کوچ، ازدواج و عروسی، تشییع جنازه و مراسم نوروزی و خلاصه بزرگداشت اعیاد پیدا و آشکار می‌شود. با اینکه کردها با بقیه اقوام ایرانی از نمادهای مشترک محکمی همچون عید نوروز برخوردارند، اما به دلیل شرایط سیاسی نواحی کردنشین در خاورمیانه، تعبیر سیاسی از نمادها بسیار رایج است. «به همین دلیل، برخلاف جشن‌های نوروز سایر اقوام، جشن نوروز کردی نیز دارای جنبه سیاسی است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و ایجاد دولت‌های ملی در منطقه خاورمیانه، کردها نتوانستند به آرزوی خود برای ساخت دولت ملی برسند. این می‌تواند دلیلی باشد برای اینکه چرا اکنون کردها نوروز را نه تنها به عنوان یک جشنواره فرهنگی، بلکه به عنوان یک جشنواره سیاسی نیز می‌بینند. با این حال، نوروز کردی خود یک افسانه

سیاسی است. حذف و کشتن یک جبار توسط آهنگر یک اقدام سیاسی است» (Salam Khalid, 2020: 119). به طور کلی، در میان آن‌ها دو نوع نماد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که از توان تأثیرگذاری بسیار بالایی برای تقویت همبستگی درون قومی برخوردارند. این نماد از یک طرف شامل نمادهای اجتماعی از قبیل رقص، موسیقی، لباس کردی و... و از طرف دیگر شامل نمادهای سیاسی از قبیل پرچم و سرود هستند. در میان کردها، رقص و پایکوبی و لباس کردی ارزش والایی دارد و این دو برای تقویت همبستگی کردی بسیار مؤثرند؛ تا جایی که علاقه بیش از حد کردها به رقص و پایکوبی، به ویژه در عروسی که هم مردان و هم زنان شرکت دارند، وجود دارد. عده‌ای عقیده دارند این نشانه تسامح و تساهل در زمینه‌های فرهنگی و دینی کردها است. بهر تقدیر آداب و رسوم به عنوان عامل همبستگی‌ساز از گذشته‌های دور تا آینده‌های دور مطرح خواهد بود (دریاباری، ۱۳۷۸: ۴۶۷). رقص کردی در میان کردها با روحشان آمیخته شده و هنوز هم با وجود تمام تهاجمات مبتذل فرهنگی که

پوشش کردی با عنوان پوشش جافی در اماکن عمومی و حتی در محیط‌های اداری فقط در شهرستان‌های غربی استان چشم‌نواز است.

نماد دیگری که در مطالعات جغرافیای سیاسی برخی اقوام بسیار مهم است، پرچم است. از مهم‌ترین نمادهایی که جمهوری مهاباد برای همه کردها به‌جا گذاشت، نمادهایی مثل پرچم و سرود است که گاهی به‌عنوان نماد ملی تعریف می‌شوند (Bengio, 2017:33). امروزه کردهای ایران در برخی مواقع و مراسم، به تبعیت از فعالیت‌های قوم‌گرایانه کردهای کشورهای همسایه، پرچمی را به‌نام پرچم کردستان بالا می‌برند که نشان از تعلق خاطر به این پرچم است. این پرچم امروز در اقلیم کردستان عراق به‌عنوان پرچم ملی پذیرفته شده‌است؛ بنابراین یکی از عوامل تقویت هویت کردی، استفاده از نمادهایی از جمله پرچم اقلیم کردستان است که به نماد ملی کردها مبدل شده‌است. این پرچم و نمادهای مشابه در مراسم گوناگون به نمایش گذاشته می‌شود (بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

درکنار پرچم، سرود «ای رقیب heyguard/eyReqib» که به گویش سورانی سروده و به دیگر گویش‌های کردی ترجمه شده‌است، به‌عنوان دیگر نماد سیاسی در نزد برخی، مورد توجه قرار گرفته است.

#### آرمان (اندیشه) سیاسی در استان کرمانشاه

آنچه تفاوت‌های جغرافیایی را معنادار می‌سازد و می‌تواند فعالیت‌های مرکزگرایانه یا مرکزگرای ناشی از این آرمان را تحت‌تأثیر قرار دهد، وجود یا نبود آرمان و اندیشه‌های سیاسی ناشی از این تفاوت‌های جغرافیایی است.

مهم‌ترین آرمان سیاسی که در غرب کشور وجود دارد و می‌تواند کرمانشاه را تحت‌تأثیر قرار دهد، اندیشه‌های مبتنی بر مرکزگرایی قوم کرد است. هرچند این اندیشه‌ها بیشتر در کردهای کردستان و آذربایجان غربی و خارج از ایران مطرح بوده، در طی

به‌ویژه قشر جوان را نشانه رفته‌اند، در کردستان و کرمانشاه و ایلام و... کمتر جمعی حتی از جوانان را می‌بینی که با کمترین شادی دست در دست هم ندهند و این مراسم آئینی که رقص کردی است را اجرا نکنند (<http://www.netgash.com>). در کنار رقص کردی، موسیقی کردی نیز به‌عنوان منبعی برای شناخت هویت کردی شناخته شده‌است. برخی موسیقی کردی را نوعی چارچوب مرجع برای حصول معرفت از هویت کردی به شمار آورده‌اند. این افراد به‌دنبال مسئله‌ساز شدن هویت کردی‌شان در رابطه با دیگر افراد از قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت هستند (محمدپور و حسن‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

براساس برخی تحقیقات، برخی در میان انواع موسیقی‌های کردی و غیرکردی اولویت را به موسیقی کردی می‌دهند. به نظر این افراد، گوش دادن به آوازه‌ها، ترانه‌ها و آهنگ‌های کردی راهی برای شناخت معنای کردبودن تلقی می‌شود. در نظر این افراد، تمایل، انتخاب و مصرف موسیقی کردی، ارج و ارزش نهادن به کردبودن و تملک این هویت است (محمدپور و حسن‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۷). همچنین در میان آداب و رسوم کردها، می‌توان هنوز یکی از زیباترین پوشش‌ها و لباس‌های دنیا را یافت. لباس‌هایی رنگارنگ و با جنس‌هایی عالی که در طول قرن‌ها توسط مردم کرد، چه در ایران و چه در عراق استفاده می‌شود. لباس محلی کردی برای مردان و زنان کرد از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده‌است و گاهی آداب خاصی در پوشش و حتی بستن شال کمر یا روسری زنان دارد. جدای از جزئیات ظاهری که در میان هریک از روستاها و قبایل کرد ایران دیده می‌شود، اشتراکات کلی در میان لباس محلی کردی دیده می‌شود (<https://www.eligasht.com/Blog/travelguide/>).

براساس شناخت نگارنده و تصاویر تهیه‌شده، با اینکه رقص کردی از مقبولیت فراوانی در سطح استان کرمانشاه و حتی استان‌های همجوار برخوردار است، اما

باشور<sup>۴</sup>، در جنوب، عراق (نزدیک‌ترین به استقلال، با حدود ۶,۵ میلیون نفر) و روژاوا<sup>۵</sup>، در شرق، سوریه (جدیدترین موجودیت سیاسی که با حدود ۲,۵ میلیون نفر ظاهر شده‌است) (Bengio, 2017: 12).

احساسات برای کردستان بزرگ در هر چهار بخش کردستان تاریخی و در گردهای دور از وطن مشهود است. پرچم‌ها، بنرها، نقشه‌ها، آهنگ‌ها، اشعار، رمان‌ها، گزارشات و فیلم‌ها این همانندسازی را اعلام می‌دارند. این احساسات از تفاوت‌های کرمانجی-سورانی در لهجه و تفاوت‌های مذهبی در بین گردها: سنی، شیعه، علوی، ایزدی، مسیحی، صابئین- مندایی<sup>۶</sup>، شبک<sup>۷</sup>، کاکه‌ای<sup>۸</sup> و سکولار فراتر می‌رود (O'leary, 2018: 356).

از دیگر مبانی شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی واگرایانه، مذهب بر مبنای تعریف اسلام سیاسی است. هرچند «اسلام سیاسی ریشه‌های عمیقی در جامعه کردی (برخلاف جوامع همسایه آن) ایجاد نکرد و همچنین نقش مهمی در شکل‌گیری هویت گردها، جنبش‌های سراسری یا عملکرد سیاسی ایفا نکرد. همان‌طور که ماهیر<sup>۹</sup> می‌گوید، اسلام شاخص اصلی هویت گردها نبود: «فرهنگ سیاسی مدرن کردستان عمیقاً ریشه در هویت قومی دارد تا هویت دینی» (Bengio, 2017: 11)؛ علاوه‌براین، برداشت کردی از اسلام، دارای فحوای عرفانی شدیدی است و بسیاری از علمای کرد به یک طریقت یا نظم عرفانی وابسته بودند. محقق برجسته، مارتین وان بروژن<sup>۱۰</sup> رابطه بین دین و ملی‌گرایی در کردستان را غالباً اجباری و مبهم توصیف کرد. وی بیان می‌کند: «بسیاری از ملی‌گرایان پیشرو»، غیرمذهبی بودند یا حداقل از داشتن قدرت آخوندها و شیوخ بر مردم ناراضی بودند.

سالیان گذشته در استان‌های کرمانشاه و ایلام، به‌ویژه در اورامانات کرمانشاه رسوخ کرده و زمینه فعالیت سازمان‌های سیاسی-شبه‌نظامی را فراهم آورده است. روند تحولات تاریخی در سطح منطقه خاورمیانه و جهان، باعث شکل‌گیری اندیشه‌های آرمان‌گرایانه در میان گردها شده که عمدتاً در لوای اندیشه کردستان بزرگ و تلاش‌هایی که برای تحقق آن رخ داده، خود را نشان داده است.

اندیشه تأسیس کردستان بزرگ را نخستین‌بار شیخ عبداللّه غازی، از شیوخ کرد، در سال ۱۸۸۰م. مطرح کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۶۶). شیخ عبداللّه بنا به تحریک دولت عثمانی و برای خودمختاری کردستان تحت نظر سلطان عثمانی، به ایران حمله کرد. وی پس از محاصره ارومیه و تصرف تبریز، به جانب مراغه روی نهاد که در آنجا با نیروهای متحد ۲۲ هزار نفری ارتش ایران مواجه شد (محمدی، ۱۳۷۸: ۳۹۶). نقشه کردستان بزرگ که گردها از اوایل قرن بیستم برای ترسیم وطن کردی از آن استفاده کرده‌اند (Kava, 2020: 9)، از نظر جغرافیایی، منطقه وسیعی را از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا شمال سواحل خلیج فارس دربرمی‌گیرد که علاوه بر قلمروی جغرافیایی گردها، سرزمین‌های لرهای لرستان و بختیاری را در استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر دربرمی‌گیرد.

کردستان بزرگ (کردستان مازین)<sup>۱</sup> دارای چهار مرکز است و هرکدام نماینده منطقه‌ای متفاوت هستند. این مراکز عبارت‌اند از باکور<sup>۲</sup>، در شمال، ترکیه (بزرگ‌ترین و سیاسی‌ترین جامعه، با حدود ۱۵ میلیون نفر)؛ روژهلات<sup>۳</sup>، در شرق، ایران (از نظر جمعیت دوم، اما کمترین قدرت سیاسی، با حدود ۷,۵ میلیون نفر)؛

4-Bashur  
5-Rojava  
6-Sabean-Mandean  
7-Shabak  
8-Kakai  
9-Mahir  
10-Martin Van Bruinessen

1-Kurdistan Mezin  
2-Bakur  
3-Rojhelat



استثنای این قاعده، شاخص‌های قومیت و زبان هستند که نشان‌دهنده تفاوت کلی این استان با هسته اصلی کشور است و در هر قسمتی از استان زبان و قومیت خاصی زندگی می‌کند.

براین اساس هیچ‌کدام از شاخص‌ها، نشان‌دهنده مرکزگریزی محض نیست و با اینکه در ارزیابی کلی می‌توان اذعان داشت شاخص‌های زبان یا قومیت مرکزگریزی محض را ایجاد می‌کنند، بقیه نیروها حالت دو سویه دارند؛ به‌عنوان مثال وقتی که براساس شاخص مذهب نیروهای مرکزگرای و مرکزگرا مورد تحلیل قرار می‌گیرند، در بعضی قسمت‌های استان مثل نواحی شیعه‌نشین، نیروی مرکزگرا ایجاد می‌کند و بعضی نواحی مثل اورامانات نیروی مرکزگرای و نواحی اهل حق‌نشین حالت بینابین. آنچه از وضعیت نیروی‌های مرکزگرای و مرکزگرا در استان کرمانشاه می‌توان استنباط کرد، این است که پایه مرکزگرایی در استان مذهب شیعه است و پایه مرکزگرایی نیروی قومی- مذهبی. اشتراک مذهبی در نواحی شیعه‌نشین استان با هسته اصلی کشور، باعث کم‌رنگ شدن نیروهای مرکزگرای از قبیل قومیت‌گرایی شده و اورامانات، باعث تجمع و تقویت همه نیروهای مرکزگرای در آن شده است.

نکته اساسی که در تبیین نیروهای مرکزگرای و مرکزگرا در استان کرمانشاه باید مورد توجه قرار گیرد، تحلیل آن‌ها براساس رویکرد هرمنوتیک است. صرف تفاوت یا شباهت‌های قومی، مذهبی، زبانی و... نمی‌تواند نیروی مرکزگرای یا مرکزگرا ایجاد کند. برای این مهم، دو نکته اساسی باید توجه شود. یکی نگاه و تفسیری که پیروان هر قوم، مذهب، زبان یا... از ویژگی‌های خود دارند و دیگری فضاهای فکری است که در قالب ایدئولوژی یا گفتمان در محدوده مورد مطالعه یا مقیاس‌های کلان‌تر ملی، منطقه‌ای یا حتی جهانی به‌وجود می‌آید و می‌تواند بر بازتعریف هر نیرو

از طرف دیگر، معمولاً مسلمانان ارتدوکس بودند که شاکله جنبش کرد را تشکیل دادند. روشنفکران سکولاریست برای جلب حمایت از اهداف ملی‌گرایانه خود، زمان دارند و مجبور شده‌اند که با دین به یک منزلگاه مناسب برسند (Bengio, 2017: 12).

با وجود این اوصاف، نشانه‌های اندیشه‌های سیاسی مذهب‌گرایانه از قبیل سلفیسم و گروه‌های مشابه در نوار مرزی کرمانشاه قابل مشاهده است؛ هرچند در مقایسه با اندیشه‌های سیاسی قوم‌گرایانه، چندان گسترده و فراگیر نیست؛ از این رو به‌طور کلی بستر برای بروز اندیشه‌های سیاسی مذهب‌گرایانه نهایتاً در اورامانات به شکل محدود می‌تواند مورد اقبال قرار گیرد؛ ولی نشانه‌های مقبولیت اندیشه‌های سیاسی قوم‌گرایانه، علاوه بر اورامانات، در دیگر بخش‌های استان قابل مشاهده است و پتانسیل بسیار بالاتری برای گسترش در سطح استان دارد. با توجه به این اوصاف، از بُعد فضایی در سه بخش غربی (اورامانات) مرکزی و شرقی استان بستر برای بروز اندیشه‌های سیاسی به یک شکل نیست؛ در حالی که در قسمت غربی بستر برای گسترش اندیشه‌های سیاسی قوم‌گرایانه و تقریباً مذهب‌گرایانه فراهم است، در قسمت‌های مرکزی و شرقی بستر صرفاً مستعد بروز اندیشه‌های سیاسی قوم‌گرایانه است و حتی در قسمت شرقی بستر برای این اندیشه نسبت به قسمت مرکزی باز هم کمتر است.

### تجزیه و تحلیل

وضعیت نیروهای مرکزگرای و مرکزگرا براساس شاخص‌های: زبان، مذهب، سازمان‌های سیاسی- نظامی، نمادهای قومی و آرمان سیاسی (اندیشه سیاسی) مورد بررسی قرار گرفت. توزیع فضایی میزان مرکزگرایی و مرکزگرایی شاخص‌ها در سطح استان یکسان نیست؛ یعنی هر شاخصی که انتخاب شود، در بعضی قسمت‌های استان شاهد ایجاد مرکزگرایی و در بعضی قسمت‌ها شاهد مرکزگرایی هستیم. تنها

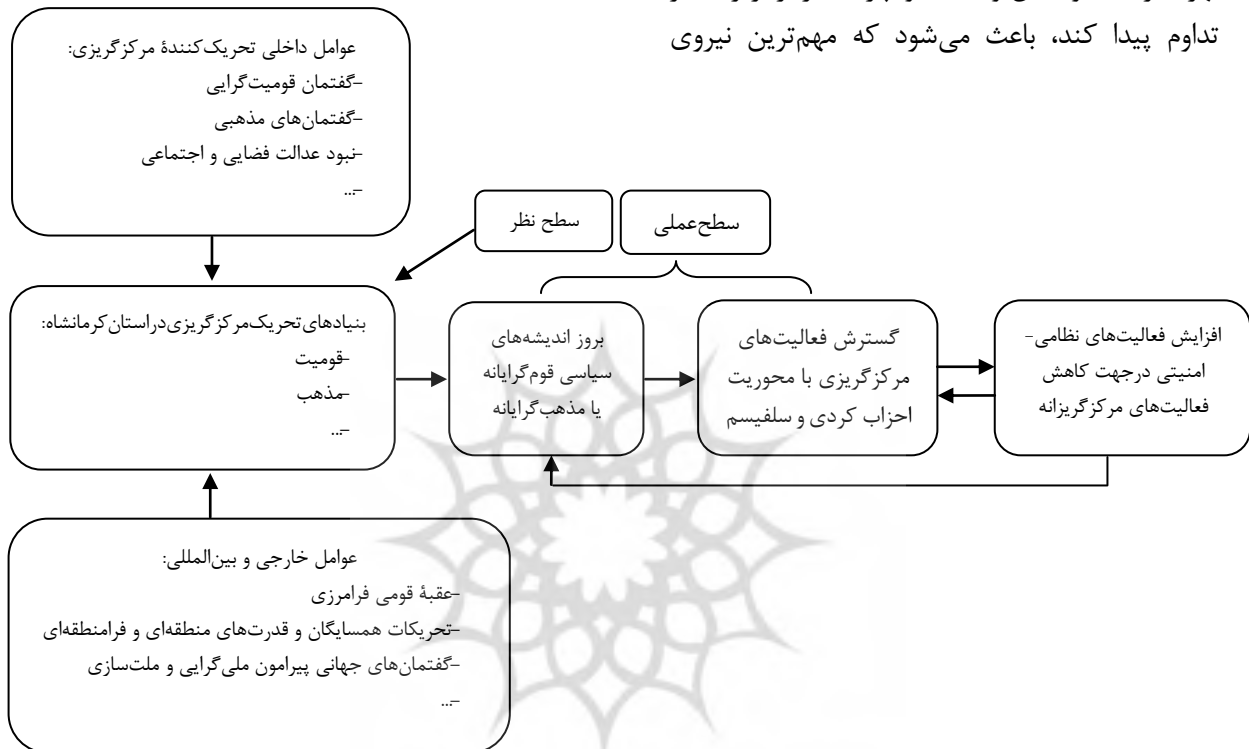
قابل تبیین است. از آنجاکه این ماهیت و وضعیت نیروهای مرکزگرای است که می‌تواند مبنای این گونه تحلیل‌ها را پررنگ سازد، ماهیت واقعی این گونه نیروها در استان کرمانشاه می‌تواند از بعدی دیگر مورد تحلیل قرار گیرد. همان‌طور که در شکل ۳ دیده می‌شود، به‌طور کلی این نیروها در این استان در دو سطح قابل دسته‌بندی هستند: نخست: سطح نظری است که اشاره به تفاوت‌هایی دارد که بین این استان و هسته مرکزی کشور وجود دارد و مبنای اصلی آن بر دو پایه مذهبی و قومی قرار دارد. در این سطح نیروهای مرکزگرای بالقوه هستند و نمی‌توان گفت که وجود آن‌ها صرفاً مرکزگرایی ایجاد کرده‌است. مسئله زمانی معنادار می‌شود که این تفاوت‌ها تحت تأثیر عوامل داخلی از قبیل: گفتمان‌های قوم‌گرایانه، اندیشه سیاسی حکومت، عدم عدالت فضایی و... و همچنین عوامل خارجی و بین‌المللی همچون عقبه قومی فرامرزی، تحریکات همسایگان و قدرت‌های منطقه‌ای و فرماندهی‌های، گفتمان‌های جهانی پیرامون ملی‌گرایی و ملت‌سازی و... پررنگ شده و بستر را برای سطح دوم، یعنی سطح عملی فراهم می‌سازد. این سطح دارای طیف متفاوتی هست. ابتدا اندیشه‌های سیاسی بر مبنای قوم‌گرایی یا مذهب‌گرایی شکل می‌گیرد و سپس بروز این اندیشه‌ها فضا را برای انجام فعالیت‌های مرکزگرایی با محوریت احزاب قومی همچون پژاک، حزب دموکرات و... و بنیادگرایی مذهبی از قبیل سلفیسم، داعش و... در قالب تبلیغات، یارگیری، عملیات‌های نظامی و شبه‌نظامی و... فراهم می‌سازد. در مقابل این فعالیت‌ها، اقدامات مقابله‌جویانه از جانب نیروهای مرکزگرا در قالب اقدامات نظامی-امنیتی شکل می‌گیرد و این امنیتی‌کردن، همان‌طور که اکبرزاده و همکارانش نشان داده‌اند، شکاف را افزایش داده و وضعیت را بدتر می‌کند (Akbarzadeha et al, 2019) که خود مرکزگرایی در سطح استان و به‌ویژه در نزد خانواده‌های آسیب‌دیده را تقویت می‌کند. اقدامات مقابله‌جویانه مرکزگرا به‌طور

تأثیر ویژه‌ای داشته باشد. بار معنایی که افراد بر هر عاملی حمل می‌کنند، نقش اساسی را در وضعیت نیروهای مرکزگرای و مرکزگرا به‌وجود می‌آورد. قطعاً بار معنایی که برای گردبوند در ناحیه اورامانات کرمانشاه وجود دارد، با بار معنایی اسلام‌آبادی‌ها یا گیلان غربی از مفهوم گردبوند تفاوت دارد؛ به‌همین دلیل هرچه این بار معنایی پررنگ‌تر باشد، تفاوت‌ها پررنگ‌تر نشان می‌دهند و هرچه تمایزات و احساس جدایی بیشتر شود، سعی می‌شود با هر عنصری مثل نمادهای قومی، مشارکت در مدیریت سیاسی، مذهب، آرمان سیاسی و... بار معنایی متمایزآمیز بسازد و خود در مقابل هسته اصلی قومی، مذهبی یا... کشور قرار دهد.

از طرف دیگر، ماهیت و شدت نیروی مرکزگرای و مرکزگرا به فضاهای فکری از قبیل ایدئولوژی یا گفتمان سیاسی و... بستگی دارد. قطعاً در صورت حاکم شدن گفتمان‌های قومیت‌گرایانه قدرت نیروهای مرکزگرا در استان کرمانشاه کاهش خواهد یافت و مرکزگرایی بیشتر تقویت می‌شود؛ زیرا تفاوت‌های مذهبی کم‌رنگ می‌شود و وحدت قومی زمینه تقویت مرکزگرایی را در کل استان به‌ویژه در نواحی کردنشین افزایش می‌دهد. برعکس، حاکمیت گفتمان‌های مذهبی از قبیل بنیادگرایی دینی مثل سلفیت باعث تقویت نیروی مرکزگرای بر پایه مذهبی می‌شود، اما شدت آن فقط در نواحی سنی‌نشین می‌تواند قابل مشاهده باشد. حتی در این صورت نیروی اعتدال‌گرای مذهبی و مخالف سلفیت در همین استان می‌تواند از شدت مرکزگرایی مذهبی بکاهد؛ بنابراین به‌طور کلی می‌توان استنباط کرد که شدت و قوت نیروی مرکزگرایی در سطح استان کرمانشاه نه تنها براساس وجود تفاوت‌های هر شهرستان یا بخش از استان با هسته اصلی کشور رقم می‌خورد، بلکه براساس بار معنایی و تفسیری که افراد هر شهرستان برای این تفاوت‌ها دارند و همچنین فضاهای فکری از قبیل گفتمان‌ها و ایدئولوژی سیاسی

مرکزگرایی مورد نظر هارتشورن، یعنی علت وجود و اندیشه حکومت، با چالش مواجه شود و اندیشه‌های سیاسی محلی‌گرایانه جایگزین آن‌ها شوند و مرکز‌گرایی وارد مرحله بسیار آسیب‌زایی شود.

موقت باعث کاهش سطح فعالیت‌های مرکزگرایانه در سطح عملیاتی می‌شود، اما برای همیشه حذف نمی‌شود. برای کاهش سطح مرکز‌گرایی، نیاز است علاوه بر بهره‌گیری از قدرت سخت، از قدرت نرم نیز بهره گرفته شود. این وضعیت و چرخه مرکز‌گرایی اگر تداوم پیدا کند، باعث می‌شود که مهم‌ترین نیروی

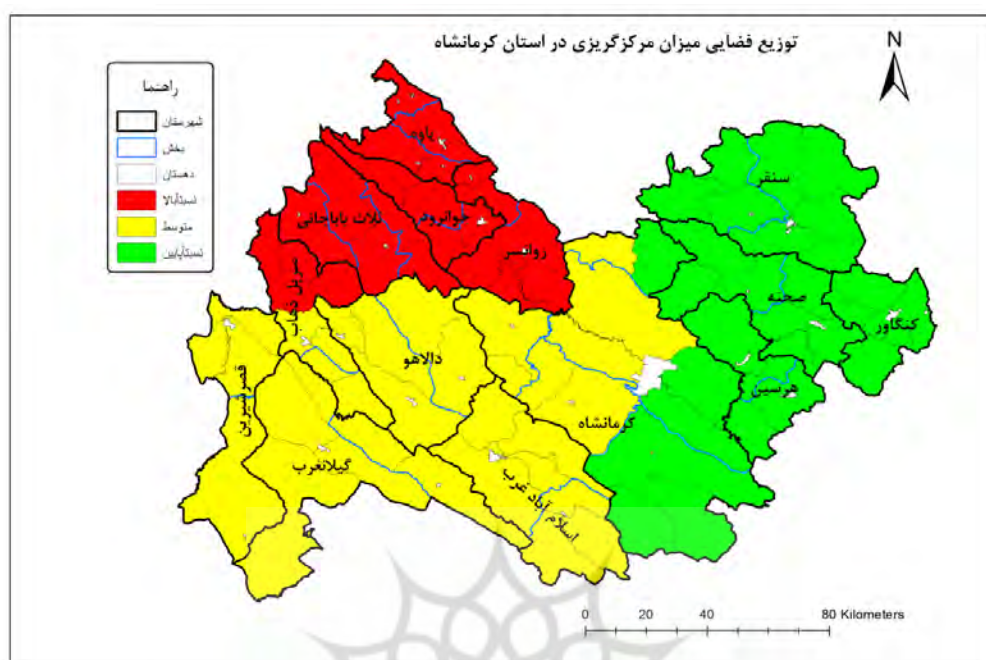


شکل ۳: نحوه عملیاتی‌شدن نیروهای مرکز‌گرای در استان کرمانشاه

تهیه و ترسیم: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

فعالیت‌های مرکزگرایانه بیشتری شکل گرفته است؛ به طوری که اگر استان را به سه قسمت غیررسمی و عرفی حاکم در درون استان، یعنی اورامانات در غرب، کلهرنشین در مرکز و جنوب و لکنشین در شرق استان تقسیم کنیم، بیشترین میزان مرکز‌گرایی در اورامانات و کمترین در لکنشین قابل مشاهده است و دو شهر پاوه و هرسین را می‌توان به دو سر طیف به ترتیب مرکز‌گرایی و مرکز‌گرایی قرار داد.

به طور کلی، با توجه به بنیادهای نظری مرکز‌گرایی و سطح فعالیت‌های مرکزگرایانه به طور عملی، می‌توان الگوی فضایی مرکز‌گرایی و مرکز‌گرایی در سطح استان کرمانشاه را همان گونه که در شکل ۴ قابل مشاهده است، به شرح زیر توصیف کرد: در این استان هرچه از جهت شرق به سمت غرب، از جنوب به شمال و از جنوب شرق به شمال غرب پیش رویم، هم بنیادهای مرکز‌گرایی پررنگ می‌شوند و از بار معنایی مرکزگرایانه‌تر برخوردار هستند و هم



شکل ۴: سطح‌بندی میزان شدت مرکزگریزی در استان کرمانشاه

تهیه و ترسیم: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

## نتیجه

جغرافیایی آن وجود دارد، زمینه و بستر را برای مرکزگریزی و فعالیت‌های مربوط فراهم می‌سازد. در غرب ایران، استان کرمانشاه با توجه به نقش و اهمیتی که دارد، می‌تواند نقش اساسی در این زمینه ایفا کند؛ زیرا تقویت فعالیت‌های مرکزگرا یا مرکزگریز در آن می‌تواند در غرب ایران و به‌خصوص استان‌های همجوار آن؛ کردستان و ایلام تأثیر فراوانی برجای بگذارد.

پیاده‌سازی نظریه ریچارد هارتشورن به شکل تئوریک در این استان نشان می‌دهد با وجود اینکه نیروهای مرکزگرا در این استان از وزن بالایی برخوردار هستند، اما میزان فعالیت‌های مرکزگریز آن نیز چشمگیر و قابل توجه است. میزان این فعالیت‌ها که متأثر از عوامل مختلف محلی، ملی و خارجی است، در سه ناحیه جغرافیایی با سه درجه متفاوت قابل مشاهده است. در ناحیه غرب استان که به‌طور غیررسمی و

یکی از وظایف اصلی جغرافی‌دانان سیاسی، تبیین فضایی پدیده‌های جغرافیایی است که سازمان سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از مهم‌ترین این پدیده‌ها که از دهه ۱۹۵۰ مورد توجه قرار گرفته است و از آن به‌عنوان یکی از شیوه‌های کاربردی‌سازی جغرافیای سیاسی یاد می‌شود. تبیین و تحلیل نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا در درون کشورها است. این نیروها که به اشکال مختلفی در درون کشورها وجود دارند، بارها باعث تجزیه و فروپاشی کشورها یا ادغام و وحدت سیاسی واحدهای سیاسی شده‌اند. نقشه سیاسی جهان هر چند سال یک بار شاهد تغییراتی از این نوع است.

کشور ایران با اینکه از نمادهای قوی و محکمی همچون تاریخ برای تقویت مرکزگریزی برخوردار است، اما سیرکولاسیونی که در بعضی نواحی

فعالیت‌های مرکزگریزی بیشتر قابل‌مشاهده باشد. هرچند اندیشهٔ سیاسی قوم‌گرای کردی و فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی مثل پژاک در قسمت میانی و تا حد بسیار کمتری در قسمت شرقی و حتی فراتر از استان، در بخش‌هایی از استان ایلام به‌خصوص در نزد نسل جوان قابل‌اغماض نیست و این می‌تواند مقیاس فعالیت این گروه‌ها را گسترش دهد و دارای تبعات امنیتی عدیده‌ای باشد. این وضعیت به‌خصوص اگر متأثر از اندیشه‌های هویت قومی و زبانی باشد، احتمال گسترش بیشتری خواهد داشت تا مذهبی.

با توجه به رویکرد گاتمن، به نظر می‌رسد که نمادهای قومی کرد، بستر را برای نوعی نمادگرایی یا ایکونوگرافی قومی - ناحیه‌ای فراهم آورده است و همین وضعیت با بروز اندیشه‌های سیاسی حرکت یا سیرکولاسیون مدنظر وی را از طریق احزاب و سازمان‌های شبه‌نظامی فراهم آورده است که درصدد ایجاد تحول در فضای موجود و ناپایداریکردن آن هستند. همچنین با توجه به رویکرد جونز درخصوص «نظریهٔ میدان متحد» ظهور اندیشه‌های قوم‌گرایانه سیاسی در طی سدهٔ گذشته در نزد کردها باعث تصمیم‌گیری دربارهٔ آیندهٔ سیاسی آن‌ها شده است. این تصمیمات منجر به ایجاد حرکت‌های سیاسی - نظامی از طریق احزاب و سازمان‌های شبه‌نظامی کردی در یک میدان فعالیت در غرب ایران به‌نام کردستان بزرگ شده است تا شاید بتواند حلقهٔ پنجم و آخر نظریهٔ جونز، یعنی کشور کردستان را تشکیل دهند؛ اما از آنجاکه در این میدان توازن قوا به نفع نیروهای مرکزگرا است، حلقهٔ پنجم دور از دسترس است و تحقق آن به‌زودی امکان‌پذیر نیست.

به‌خصوص در سطح محلی اورامانات شناخته می‌شود، بیشترین میزان این فعالیت‌ها را می‌توان مشاهده کرد. در مقابل در شرق استان کمترین میزان فعالیت و در مرکز حالت میانه‌ای برخوردار است. از این جهت استان به صورت سه ناحیه با مرکزگریزی کم، متوسط و بالا قابل سطح‌بندی است که هرچه از سمت غرب استان به شرق آن پیش می‌رویم، از شدت مرکزگریزی کاسته شده و مرکزگرایی افزایش می‌یابد. از پنج شاخص استفاده شده، هر چند فقط شاخص زبان و قومیت است که به شکل نظری در کل استان پتانسیل ایجاد مرکزگریزی را دارد و می‌توان بستری برای ناحیه‌گرایی قومی در این استان باشد، اما در عمل فعالیت‌های قوم‌گرایانه با رویکرد سیاسی در هر سه قسمت استان به یک اندازه قابل‌مشاهده نیست و میزان آن از شرق استان به غرب کاهش می‌یابد. مذهب مهم‌ترین شاخص توازن‌سازی بین نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا در این استان است؛ زیرا هستهٔ اصلی جمعیت استان در قسمت شرقی و میانی شیعه مذهب هستند و فقط در ناحیهٔ اورامانات است که تفاوت مذهبی بیشتر است. درخصوص نمادهای قومی، با اینکه نمادهایی اجتماعی‌ایی مثل رقص کردی در تمام استان به‌خصوص در شادی قابل‌مشاهده است، اما نماد پوشش کردی در ناحیهٔ اورامانات خاص‌تر و متمایزتر است. همچنین براساس برخی شواهد، در این ناحیه باور به نمادهای سیاسی کردی، مثل پرچم و سرود کردی، بیشتر از دیگر قسمت‌های استان است. ترکیب هویت قومی - مذهبی متفاوت باعث شده که بروز دو شاخص دیگر، یعنی اندیشهٔ سیاسی و سازمان سیاسی - نظامی در ناحیه بیشتر شود و در عمل

## منابع

- رودیگر، اسمیت (۱۳۸۲). راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم. ترجمه حسن رضائی باغ‌بیدی و همکاران. تهران: انتشارات ققنوس.
- <https://goqnoos.ir/Fa/search?q=>
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، اداره کل جغرافیایی (۱۳۸۰). فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور؛ شهرستان کرمانشاه. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. <https://www.gisoom.com/book/1239998>
- صحراگرد، زینب (۱۳۹۱). نقش اقوام در امنیت استان کرمانشاه، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپولیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی، صفحات ۹۱-۱۰۰.
- غلامحسینی، اسماعیل؛ محمدتقی فتاح؛ بختیار دالوندفر؛ صادق لیلایی (۱۳۹۱). بررسی نقش پراکندگی جمعیت اهل حق در امنیت اجتماعی استان کرمانشاه و پیامدهای امنیتی آن، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. سال هفتم، شماره ۲. صفحات ۲۹-۷.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1237261/>
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۴). جهانی شدن و هویت قومی (مطالعه موردی: قوم لک در ایران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. دانشکده علوم اجتماعی.
- قنبری، محمد؛ بهرام بیات (۱۳۹۸). محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال چهاردهم، شماره ۴، صفحات ۱۸۵-۱۵۹.
- [http://psq.kiau.ac.ir/article\\_665470\\_b8d4ad571f35999250096e972920d3d8.pdf](http://psq.kiau.ac.ir/article_665470_b8d4ad571f35999250096e972920d3d8.pdf)
- کریمیان، روح‌اله (۱۳۹۲). بررسی اقدامات گروهک تروریستی پژاک از منظر عملیات روانی، فصلنامه مطالعات عملیات روانی. شماره ۳۸. صفحات ۱۸۰-۱۵۵.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1391221/%>
- کریمی‌پور، یداله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- <https://www.gisoom.com/book/1193444/>
- امیری، علی (۱۳۸۵). نقش نیروهای مرکزگرا و مرکزگرایز در همبستگی ملی در استان کرمانشاه، به راهنمایی دره‌میرحیدر. دانشگاه تهران. دانشکده جغرافیا. <https://thesis2.ut.ac.ir/thesis/UTCatalog/UTThesis/Forms/ThesisBrief.aspx?thesisID=E9A2B791-9D16-422A-9591-3EEE31974DAB>
- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۶). ایران و گروهک‌های کردی ضدانقلاب، بخش نخست. [www.tabyincenter.ir](http://www.tabyincenter.ir).
- بوژمهرانی، حسن؛ مهدی پوراسلامی (۱۳۹۳). تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر کردهای ایران، دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱. صفحات ۸۷-۱۱۱.
- [http://iws.shahed.ac.ir/article\\_73\\_6c3c10649dc7f31eaa6cbd2e1810efe5.pdf](http://iws.shahed.ac.ir/article_73_6c3c10649dc7f31eaa6cbd2e1810efe5.pdf)
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- <http://samt.ac.ir/fa/book/1007/>
- خاکپور، براتعلی؛ چنور محمدی؛ سیده الهام داوری؛ مجید اکبری (۱۳۹۸). بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های کرمانشاه با استفاده از تکنیک ادغام، جغرافیا و توسعه، شماره ۵۶، صفحات ۷۳-۹۰.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=486092>
- خدابنده، عبدالله (۱۳۸۲). شناخت فرقه اهل حق، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- <https://www.gisoom.com/book/1624216>
- دریاباری، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸). احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی کردستان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، فصلنامه یاد. شماره ۵۳، ۵۴، ۵۵ و ۵۶. صفحات ۴۹۴-۴۶۱.
- <http://ensani.ir/file/download/article/20100929094346-455.pdf>
- رجبی، حسین؛ محمد مهدی جعفری‌نور (۱۳۹۵). بررسی میزان شناخت رزمندگان سپاه بیت‌المقدس کردستان از گروهک‌های کردی و تأثیر آن بر عوامل غیرفیزیکی توان رزم، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی. سال پانزدهم، شماره ۲۸. صفحات ۱۳۶-۱۱۵.
- [https://journals.ihu.ac.ir/article\\_202044\\_8e89876fde1a9b02147bae347cda2b53.pdf](https://journals.ihu.ac.ir/article_202044_8e89876fde1a9b02147bae347cda2b53.pdf)

- Akbarzadeha, Shahram; Zahid Shahab Ahmeda; Costas Laoutidesb; William Gourlaya (2019). The Kurds in Iran: balancing national and ethnic identity in a securitised environment, third world quarterly, Vol. 40, issue 6, PP. 1145-1162.  
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/01436597.2019.1592671>
- Bengio, ofra (2017). the Kurds in a volatile Middle East, Mideast security and policy studies, No. 130. <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2017/02/MSPS130web.pdf>
- Danish immigration service (2020). Iranian Kurds: consequences of political activities in Iran and KRI, Denmark, Danish immigration service publications.  
<https://www.justice.gov/eoir/page/file/1309051/download>
- Flint, Colin; Peter J. Taylor (2018). Political Geography: World-Economy, Nation-State and Locality, UK, Rutledge.  
<https://www.routledge.com/Political-Geography-World-Economy-Nation-State-and-Locality/Flint-Taylor/p/book/9781138058262>
- Gottmann, jean (1952). the political paertitioning of our world: an attempt at analysis, world politics, Vol.4, Issue 04, PP.512-519.  
<https://www.jstor.org/stable/2008963>
- Gunes, Cengiz (2019). the Kurds in a New Middle East: The Changing Geopolitics of a Regional Conflict, Switzerland, Palgrave Macmillan.  
[https://www.researchgate.net/publication/330048381\\_The\\_Kurds\\_in\\_a\\_New\\_Middle\\_East\\_The\\_Changing\\_Geopolitics\\_of\\_a\\_Regional\\_Conflict](https://www.researchgate.net/publication/330048381_The_Kurds_in_a_New_Middle_East_The_Changing_Geopolitics_of_a_Regional_Conflict)
- Hanks, Reuel R (2011). encyclopedia of Encyclopedia of Geography Terms, Themes, and Concepts, California, ABC-CLIO.  
<https://www.amazon.com/Encyclopedia-Geography-Terms-Themes-Concepts/dp/1598842943>
- Hartshorne, Richard (1950), The functional in political geography, annals of the association of American geographers, Vol.40, No.2, PP. 95-130.  
<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00045605009352027>  
<http://www.netgasht.com>  
<https://www.eligasht.com/Blog/travelguide>
- کفاش، جمشید (۱۳۷۵). تحلیلی از نیروهای مرکزگرایز و مرکزگرا در آذربایجان (ایران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام حسین.
- محمدپور، احمد؛ تافگه حسن‌پور (۱۳۹۱). جهانی‌شدن و بازنمایی هویت فرهنگی در موسیقی کردی (بررسی الگوهای مصرف موسیقی دانشجویان کرد دانشگاه گیلان)، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. دوره ۲. شماره ۲. صفحات. ۸۹-۱۱۶.  
[https://ijar.ut.ac.ir/article\\_50668\\_337ea429e2c9d2c5ddc68c12d80b9908.pdf](https://ijar.ut.ac.ir/article_50668_337ea429e2c9d2c5ddc68c12d80b9908.pdf)
- محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۸). پیشینه گرایش‌های و ناحیه‌گرایی سیاسی در ایران/ کردستان، مجموعه مقالات کنگره جغرافیایی ایران. تهران. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین.
- مطلبی‌جونقانی، محسن (۱۳۸۹). پژاک، تاریخچه اهداف و عملکرد، فصلنامه مریبان. شماره ۳۸. صفحات. ۸۳-۹۷.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/930953/>
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر با همکاری یحیی صفوی. تهران. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.  
<https://www.gisoom.com/book/1858666/>
- مهدیخانی، مجتبی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر جمعیت اهل حق در امنیت استان کرمانشاه، مطالعات عملیات روانی. شماره ۳۶. صفحات. ۹۱-۱۲۱.  
<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/185209/>
- نادری، محمود (۱۳۹۴). حزب دموکرات کردستان ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.  
<https://psri.ir/?page=books&id=130>
- یاسمی، رشید (۱۳۶۳). کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، تهران. انتشارات امیرکبیر.  
<https://www.gisoom.com/book/117143/>
- Ahmadzadeh, Hashem; Gareth Stansfield (2010), "The Political, Cultural, and Military Re-Awakening of the Kurdish Nationalist Movement in Iran", Middle East Journal, vol. 64, No. 1, 11-27, PP. 11-27.  
<https://www.researchgate.net/publication/236720401>

- O'leary, Brendan (2018), The Kurds, the four wolves, and the great powers, journal of politics, Vol. 80, Nom. 1, PP. 353- 366. [https://www.researchgate.net/publication/323246023\\_The\\_kurds\\_the\\_four\\_wolves\\_and\\_the\\_great\\_powers](https://www.researchgate.net/publication/323246023_The_kurds_the_four_wolves_and_the_great_powers)
- Reményi, Péter (2012). the Statehood of Bosnia-Herzegovina According To the Hartshorne Model, Historia Actual Online, No. 27, PP. 129-140. [https://www.researchgate.net/publication/272045565\\_The\\_statehood\\_of\\_Bosnia-Herzegovina\\_according\\_to\\_the\\_Hartshorne\\_model](https://www.researchgate.net/publication/272045565_The_statehood_of_Bosnia-Herzegovina_according_to_the_Hartshorne_model)
- Salam Khalid, hewa (2020), newroz from Kurdish and Persian perspective- a comparative study, journal of ethnic and cultural studies, Vol. 7, No.1, PP. 116-130. <http://www.ejecs.org/index.php/JECS/article/view/318>
- Yongnian, zheng (2010). China and international relations; the chine view and the contribution of Wang gungwu, London and new York: Rutledge. <https://www.routledge.com/China-and-International-Relations-The-Chinese-View-and-the-Contribution/Yongnian/p/book/9780415625463>
- Kaya, zeynep N. (2020), mapping Kurdistan: territory, sef-determination and nationalism, newyork: Cambridge university press. <https://www.cambridge.org/core/books/mapping-kurdistan/B0D0FF28D3C022295FBB4A815B70487>
- Landinfo (2017). Iran: Increased Kurdish Military Activity In Iran. <https://landinfo.no/wp-content/uploads/2018/04/Iran-Increased-Kurdish-military-activity-in-Iran.pdf>
- Mascara, luca (2006). Territory as a psychosomatic device: gottmann's kinetic political geography, geopolitics, 10:1,PP.26-49. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/14650040590907721?journalCode=fgeo20>
- Meir, avinoam (1988), nomads and the state: the spatial dynamics of centrifugal and centripetal forces among the Israeli Negev Bedouin, Political geography quarterly, Vol. 7, No. 3, PP. 251-270. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/0260982788900158>
- Moisiso, sami; Natalie Koch; avdrew E. G. jonas; Christopher lizotte; juho luukkonen (2020). Handbook on the changing geographies of the state, edward elgar. <https://www.amazon.com/Handbook-Changing-Geographies-State-Geopolitics/dp/1788978048>
- Muir, Richard (1989). Modern Political Geography, London, Macmillan Education Ltd. <https://link.springer.com/book/10.1007/978-1-349-86076-0>